



اول - شماره ۲۳ - هفته ۲۳ - بهمن ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریال

عوامل کمیته منطقه ۱ شصت هزار نسخه از نشریه "مجاهد" را به آتش کشیدند

به قرار اطلاع ساعت ۸ صبح دیروز (دوشنبه) هنگامی که کامیون حامل حدود شصت هزار نشریه "مجاهد" به کاراز فرستون واقع در میدان خراسان برای ارسال نشریه به شهرستانها مراجعه می‌کند، مسئول بخش نشریه توسط افراد کمیته ۱۰ مورد بازخواست واقع شده و برای اادی توضیحات او را (که کارمند بقیه‌در صفحه ۱۰)

دومرحله‌ای کردن انتخابات مجلس شورای ملی عملکردی جز هرچه محدودترکردن مشارکت نیروهای انقلابی و ترقیخواه ندارد

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران
"مجاهدین خلق ایران"، ضمن اعتراض و محکوم نمودن فاعل طرح دو بقیه‌در صفحه ۱۰

درس‌الگردد پیروزی قیام، مردم بطوریکپارچه باشعار مرگ بر آمریکا از خون شهدای خلق پاسداری کردند.



گوشه‌ای از تظاهرات باشکوه مردم در نخستین سالروز پیروزی قیام در میدان آزادی

۲۲ بهمن نخستین سالگرد پیروزی قیام خلق با شرکت میلیونها تن از مردم تهران در میدان آزادی برگزار گردید.
در سال گذشته در چنین روزی خلق قهرمان ایران پس از دادن شهدای بیشماری موفق گردید، بوسیله یک قیام مسلحانه توده‌های طومارننگین رژیم خونخوار پهلوی را درهم ریزد و شریه‌های تاریخی بر بیکر امپریالیسم آمریکا وارد سازد.
در ۲۲ بهمن امسال مردم در سراسر ایران خصوصاً تهران با شرکت خود در راهپیمایی و رژه‌هایی که بدین مناسبت برگزار گردیده بود یاد دلاریها و جانانزهیای شهدایی که بخاطر آزادی و رهایی خلق جان باختند را گرامی داشتند و آنها را بزرگ با شهدای خوش پیمان بستند که هرگز اجازه نخواهند داد خون پاک آنان پایمال گردد، و انقلاب خلقمان به بیراهه و انحراف کشیده شود. این مسئله خوبی در شعارهای مردم بویژه شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر کارتر نمایان می‌گشت.
بقیه‌در صفحه ۱۲

آماده باش کامل سیاسی

این یک انتخابات معمولی نیست انتخاب میان این کاندیدان و آن کاندیدان نیست، بلکه انتخابی است میان جامعه‌وراه‌حلهای سرمایه‌داری وابسته و ارتجاعی از یکطرف، و جامعه‌وراه‌حل ضد استثماری توحیدی و انقلابی از طرف دیگر.

هفته گذشته عزم جزم برای احقاق هرچه بیشتر حقوق خلق را که در روزها و مرحله کنونی از طریق شرکت هرچه فعالتر در انتخابات مجلس شورای ملی مسراست، اعلام نمودیم. تردیدی نیست که از دیدگاه انقلابی تا وقتی که راههای سالم‌تأمین حیطی سدود نشده، باید از هر آزمایشی دست‌نکشید. اما با پانصدیم دموکراتیک (هرچند هم جزئی و مختصر) استقبال نمود. البته در اینصورت هر استقبال در بطن خود یک انتقام حجت نیز پشمار می‌رود. انتقام حجتی در پیشگاه خدا و خلق و حتی در برابر ضد خلق تا بر هکسان روشن شود که ما برغم همه پی زده‌شدنها، باز هم هیچ امکان سلامت و نفاهم را آزمایشی نمانده باقی نگذاشته و نمی‌گذاریم.

اما اگر نیروهایی همچنان خواهند تا به آخر علیه هم میوه‌چینی شان از خون و شهادت انقلابیونی که راه را بر رسیدن آنها به گری قدرت هموار گردانند، هم که سرکشان را بخود اختصاص داده و نیروهای اصیل انقلابی را با شعارها و نمایشهای مسخره و مضحکی از قبیل آنچه که اخیراً شاهدش بودیم، از حق قانونی و شرعی و انقلابی خود در مجلس محروم سازند... آنوقت چه ما بخرواهیم و چه نخواهیم جامعه خود را بشماره دیگری نشان خواهیم داد، و معلوم می‌شود که "بازی" از اساس باستانی تجدید شود. یعنی روز از نو و روز از نو...

البته ما بقیق داریم که شور انقلابی خلق قهرمانان همراه ما به بن بست رسیدن تاریخی - اجتماعی همه راه‌حلهای سرمایه‌داری و ارتجاعی رشد اجتماعان و سابقه بنگرند. ۲ سال مبارزه مسلحانه به این زودیها امکان نخواهد داد که امپریالیستها و مرتجعین آنچه را که نهایتاً تا دل دارند بر نیروهای انقلابی آورده و ما را مطلقاً از دور خارج کنند. استقبال بی نظیر میلیونها مردمی که فقط ظرف چند روز از گاندیدای ما برای ریاست جمهوری اعلام حمایت کردند بهترین گواه این مطلب است.
لیکن باز هم بخاطر حساسیت اوضاع و مخصوصاً موقعیت بلشوی کنونی کشور لازم دیدیم که مجدداً توجه برخی نیروها را به این حقیقت برانگیزیم که اگر نخواهند در راه مشارکت نیروهای انقلابی پیش از این اشکالتراشی و اجزای مانع کنند، نه تنها مشروعیت خود بلکه صیر و بردباری توده‌های محروم را نیز بر آورده و در آینده‌های نزدیک گورکن سیاسی و اجتماعی خود خواهند شد.

خطوطی که در این شماره از نشریه "مجاهد" درج شده، صرفاً جهت اطلاع شماست و نباید به عنوان اساسی که مطلقاً باید در پیروزی قیام عمل کرد، تلقی کرد. این خطوط صرفاً جهت اطلاع شماست و نباید به عنوان اساسی که مطلقاً باید در پیروزی قیام عمل کرد، تلقی کرد. این خطوط صرفاً جهت اطلاع شماست و نباید به عنوان اساسی که مطلقاً باید در پیروزی قیام عمل کرد، تلقی کرد.

تحلیلی بر کنفرانس پاکستان و مسأله افغانستان

افول خواهد گردید. همان داستان تکراری همه انقلابات شکست خورده معاصر که براستی یادآوری آن پشت هر فرد مسئول را می‌پرانند. اگرچه اشکال پدید آمدن این توپخانه متنوع است اما مضون و جوهر آنها همیشه یکی بوده است.

ابتدا با علم کردن مسائل فرعی و حاشیهای و دست‌گذاشتن بر نقاط اختلاف نیروهای مختلف مبارزه را به کاتالهای فرعی کشانده و از مسراصلی منحرف می‌کنند. به اینگونه وحدت اصولی مردم در سیر واحد مبارزه ضد امپریالیستی یا به فراموشی سپردن قاعده "الاهم تالاہم" که همان اصلی صورت گردن مسائل و مشکلات باشد، خدشه‌دار می‌شود. آنگاه نیروهای مختلف را بجان هم انداخته و در این میان تا بتوانند با لگداز کردن انقلابیون راستین، همان فرزندان سائش ناپذیر خلق، آنها را قلع و قمع می‌کنند، آنگاه وقتی نیروهای مردم شقه شده و زمینه از جهت سیاسی بقیه‌در صفحه ۱۲

ما جرای آشوب‌نهاوند چه بود و چگونه بوجود آمد؟

لا بد شما هم خبر آشوب در تهران را در چند روز اخیر شنیدید و با در روزنامه‌ها خواندید و مبتل همه کسانی که قلبشان برای این مهین و برای آینده انقلاب می‌تپد تکران شدیدی.

ما وقتی گزارش آشوب و ناآرامی های موقتی را شنیدیم و در روزنامه اطلاعات هفته ۱۶ بهمن خواندیم، در این مورد تحقیق کردیم، نتیجه تحقیقات ما صحت گزارش اطلاعات را علیرغم تکذیب فراط و تکذیب روزنامه حزب جمهوری، در مجموع تأیید کرد و متوجه شدیم کابینای هم ارتجاع آشوب به پا کرده و نهاوند راهیم ریخته.

وقتی می‌خواستیم آنچه را که در نهاوند اتفاق افتاده، برای این چاپ کنیم، پادمان آمد که در میان آشوب گزارشات حیرانت آرجاع به هواداران سازمان، در جریان فعالیتها، انتقام باقی، گزارشی که در نهاوند داشتیم که مثل اکثر گزارشها به پایتکی گردن گرفتیم، اما الان مفید دیدیم برای آنکه سابقه‌ای از شرارت‌های عوامل ارتجاع در نهاوند داشته‌باشید آنرا بقیه‌در صفحه

با پیام حاج احمد آقا خمینی فرزند امام خمینی تحصن خانواده‌های مجاهدین خلق پایان یافت

خانواده‌های مجاهدین خلق را به سیر و بردباری و تحمل بیشتر توصیه نمود. آقای شانه‌چی افزود، در این رابطه بی‌خوابم خدمت امام بوسه که از ایشان پهای بیابورم که مشتاقه به خاطر کالت امام نتوانست خدمت ایشان شرفیاب شوم، اما خدمت حاج احمد آقا خمینی رسیدم و پهای که ایشان برای خانواده‌های مجاهدین فرستادند اینست که شما به تممن خود پایان دهید، انتظاماً به تممن زودبها، با تفعل به داوند و انتخاب آقای بنی‌صدر به ریاست جمهوری و تشکیل مجلس شورای ملی همه مشکلات حل خواهد شد. آقای شانه‌چی پس از ابلاغ پیام فرزند امام خود نیز شخما انقلاب و عوارش آن داد کرده و

● دانشگاه و انقلاب
● شهرها در جنگال امپریالیسم
● درباره انتقادات فدائیان خلق
● چرا ما از هر اقدام انقلابی تجلیل می‌کنیم
● انضباط انقلابی میلیشیایی
● سربازانی تا گردان و رستگاری و بافندگی تاج
● چرا خودتان فهرست کامل ساواکیهارا افشانی کنید؟

اتحادیه شوراهای مبارزات سیاسی - صنفی کارگران (۵)

سیر جنبش اتحادیه‌ای در ایران

فرازهای پرشکوهِ جنبش اتحادیه‌ای

۳۳ سال پیش ۱۰ هزار نفر از نفع‌گاران انقلابی با اعتصابی سراسری در اهواز، آبادان، مسجد سلیمان و آغا جاری یکی از پرشکوهِ ترین مبارزات تاریخ جنبش کارگری ایران را آغاز کردند.

در شاره‌های قبل با اشاره به کارگری گسترده‌تر اتحادیه شوراهای مقایسه با شوراهای به بررسی جنبش اتحادیه‌ای در اروپا و جنگ جهانی نخست و اتحادیه‌های جهانی مترقی و در کنار آن اتحادیه‌های رفرمستی و سرانجام آن برداشتیم. پس از آن قسمت اول از سیر جنبش اتحادیه‌ای در ایران را آوردیم، اینک قسمت بعد، یعنی پرشکوهِ ترین

دوران جنبش اتحادیه‌ای در ایران را می‌آوریم. رشد فزاینده در اروپا و بی‌آمدن آن جنگ جهانی دوم، امپریالیسم انگلیس را در معرض نابودی قرارداد ضرورت حفظ جاهای نفت ایران که قسمت عدم‌سخت مصرفی کشتی‌ها و هواپیماهای انگلیسی... را تأمین می‌کرد، مضاف بر موقعیت استراتژیک

اجتماعی فراهم کرد. طبیعتاً انگلیسها هم جز این‌ها نمی‌خواستند و نه می‌توانستند. احزاب و گروههای سیاسی و بالطبع سازمانها و محافظ کارگری سرپا بودند آمده و رشد کردند. در سال ۱۳۲۲ اتحادیه‌های کارگری شکل گرفته و شورای متحده مرکزی را بوجود آوردند. فشارهای مختلف اتحادیه‌ها از طریق اعتصابات و برپایی اجتماعات دولت را مجبور به دادن لایحه‌ای به مجلس کرد، که محتوای آن شامل این مسائل بود: "تقلیل ساعت کار به هشت ساعت، دو هفته رخصتی سالانه با حقوق، ۶ هفته رخصتی برای زنان کارگر باردار، منع بکارگرفتن کودکان کمتر از ۱۲ سال تا بهنیمه‌های اجتماعی برای کارکنان... اما به دلیل ماهیت ارتجاعی طبقه حاکمه و ناپایدان مجلس، لایحه مذکور به تصویب نرسید. کارگران نفع‌گاران در سال ۱۳۲۴ به رهبری اتحادیه مخفی خود برای احقاق حقوق صنفی‌شان اعتصابی را بمدت شش روز به راه انداختند. یکی از خواسته‌های مهم کارگران قانونی شدن اتحادیه‌ها بود، مدبران

سال به سی‌هزار نفر می‌رسید. عمال امپریالیسم انگلیس و ارتجاع داخلی به خصوص پس از پیروزی‌های اخیر کارگران، به مخالفت با اتحادیه‌ها و قلع و قمع آنها پرداختند. کارگران قهرمان شرکت نفت در مقابل هجوم نیروهای ضد کارگر مقاومت کرده و حتی میدان مبارزات خود را گسترده‌تر کردند. هزاران نفر از نفع‌گاران در ۱۱ تیر ۱۳۲۵ دست به اعتصاب زدند. کارگران طی اعتصاب دو هفته‌ای خود خواستار قانونی شدن اعتصاب، پرداخت دستمزدها، احترام، انطباق، انقیاد تصمص شرکت نفت دایر بر حذف اضافه مزد و بدی آب و هوا، بهبود شرایط مسکن و تأمین وسایل نقلیه... شدند. شرکت نفت انگلیس در ابتدا مجبور به قبول خواسته‌های آنها شد ولی در عمل نه تنها هیچکدام از تعهداتش را اجرا نکرد، بلکه بانک ارتجاع حاکم دست به توقیف اتحادیه‌ها زد. نفع‌گاران انقلابی در ۲۳ تیر با



ترتیب‌دادن اعتصاب سراسری در اهواز، آبادان، مسجد سلیمان و مبارزات جاری یکی از پرشکوهِ ترین مبارزات تاریخ جنبش کارگری ایران را آغاز کردند. تعداد کارگران شرکت کننده در این اعتصاب حدود ۱۰۰ هزار نفر بود. کارگران قاطعانه خواسته‌های سیاسی - صنفی خود را که عبارت بود از: "عدم مدخلی شرکت نفت انگلیس در امور داخلی ایران، برکناری استاندار داخلی رفرمخته خورستان، اجرای کامل قانون کار اعلام کردند. موفقیت انجامید. حکومت ارتجاعی و اربابان انگلیسی‌اش عقب‌نشینی کردند اما با فاصله کوتاهی رژیم ارتجاعی، چاق‌بستان‌ها را از بین برخی عمال دیگر کارائی نداشت، عوامل مزدور و ارتجاعی وابسته به حزب دست به تهاجم بر علیه مراکز کارگری زدند. قدامت‌بندان و چاق‌بستان به سر بردگی دینفر از آواش معروف به باسگاه نژدی چاق‌بختا و اتحادیه مرکزی کارگران و کشاورزان حمله کرده و آنجا را اشغال کردند. درکمان‌ها بحركات قوام هنوز به اقدامات ضدانگیزه‌های امیدداشت. در ۱۳۲۵ طرح اولیه قانون کار را تهیه کرد. ولی مودلی که در وضع کارگران تغییر اساسی ایجاد کند در آن به چشم نمی‌خورد. بدین جهت در مبارزات کارگران‌نه تنها خللی بوجود نیامد، بلکه به آن سرعت بخشید.

نفع‌گاران انقلابی، امپریالیسم انگلیس را مجبور به عقب‌نشینی می‌کنند
کارگران صنعت نفت خوزستان در سال ۱۳۲۵ با اعتصاب عمومی شرکت نفت را مجبور به قبول خواسته‌های خود کردند. شرکت نفت به روز بعد از اعتصاب موفقیت‌آمیز کارگران، اتحادیه آنها را برصیت ساخت. اتحادیه کارگران نفت در آبادان، آغا جاری و مسجد سلیمان تشکیل داد. در فاصله کوتاهی "شورای اتحادیه کارگری مرکز خوزستان" به "شورای مرکزی اتحادیه‌ها" ملحق گشت. تعداد اعضا شورای متحده در این

اعضا شورای متحده در این کارخانه که در این جلسه شرکت داشت به کارگران می‌گوید: "چرا همیشه خواسته‌های شما بوی مادات می‌دهد." نماینده دولت در جلسه نیز برای کارگران صحبت می‌نماید و می‌گوید: "تلا ما با امپریالیسم شرق و غرب روبرو هستیم و شما باید از خواسته‌های خود دست بکشید." اقدامات سرپرست کارخانه بتدریج اعتراضات جمعی کارگران را برمی‌انگیزد و بهمین منظر جملاتی از جانب کارگران در کارخانه تشکیل شده و در مورد ماهیت افراد مذکور خصوصی سوابقی که سرپرست در سرکوبی کارگران کارخانه وطن داشته افشاکری می‌شود. در مقابل مدبریت دست به اخراج کارگران معترض می‌زند و بجای آنها افراد مورد نظر خود را استخدام می‌کند. یکی از کارگران در مورد عملکرد سرپرست کارخانه می‌گوید: "آنها زهر و سلهای برای اینکه کارگران را سرکوب کنند استفاده می‌نمایند. زمانی کارگران را تهدید به اخراج می‌کنند، بعضی وقتها جای کارگران مبارز را عوض می‌نمود و هر روزی برای از بین بردن کارگران به آن طرف می‌دهند، هر چه می‌توانند کوچکترین بهانه‌ای مثلا اینکه چرا در کارخانه پارچه‌هایی سیگار می‌کشید، یا در کارخانه اخراج می‌نمایند. با اینکار ما می‌خواهیم تمام قوانین ضدکارگری قبلی را از کارخانه پاره کرده و از این رابطه می‌سازد." رئیس و سرور که هر دو یک نفس از بازی می‌کنند از شکل کارگران وحشت دارند و می‌گویند، کارگران باید تنگت خواسته‌های خود را بگویند، با این وضعیت می‌خواهند بدون در دسر حقوق مسلم کارگران را به حجب بزنند.

شورای فرمایشی و شکار کارگران
هدستی اعضا شورای سرپرست کارخانه در سرکوب نمودن کارگران، عدم توجه به خواسته‌های برحق آنها، نبودن مدیریت صحیح و حیف و میل شدن سرمایه‌های ملی، اعتراضی شدید کارگران را برانگیخت. سوابقی که اعضا شورای سرپرست کارخانه در مدیریت با کارگران عملکردهای فرست طلبانه استثمارگران در یکسال اخیر، هرگونه اعتقاد و اطلاعاتی را نسبت به افراد مذکور طلب نمودند. کارگران در جلسات و گروه‌های هائی که داشتند خواستار انحلال شورای فرمایشی و جایگزین شدن شورایی از نمایندگان واقعی خود شدند. این شورای واقعی را تنها راه حل مشکلات می‌دانند. فضا مدیریت کارخانه نیز از نظر اکثریت کارگران مشروعیت خود را از دست داده، کارگران خواستار اعزام نماینده دیگری از جانب دولت می‌نمایند. با همکاری شورای واقعی کارگران، از یک طرف جلوی هرگونه انحراف و تبعیض و پایمال شدن حقوق چاق کارگران گرفته شد و از جانب دیگر از امکانات فراوانی که وجود دارد، جهت اشتغال و تولید بیشتر استفاده کرد.

سیر مبارزاتی کارگران ریسندگی و بافندگی تاج

نمایند هدولت و رئیس کارخانه به کارگران: چرا همیشه خواسته‌های شما بوی مادات میدهد

کارخانه ریسندگی و بافندگی تاج در سمت کیلومتری شمال اصفهان واقع شده است. این کارخانه در سال ۲۹ میلیون سرمایه اولیه حدود ۲۵ میلیون تومان توسط مبارزات سرسبز و مبرهادی و... تأمین شده ولی به تدریج مبارزاتی که با دربار و ساواک ارتباط داشت و مورد توجه شاه مخلوع بود، بر کارخانه مسلط شد. و تسلط خویش را تا قبل از قبل شدن کارخانه در اعتماد سال قبل هیدتان حفظ نمود. در حال حاضر کارخانه رسا ملی طرف و توسط یک هیئت ۴ نفری که از گنهانه اداره می‌گردد. کارخانه بدون کالونیولید میکند: پیوپارچه تولیدی روزانه ۲۰۰۰ متر پارچه و تولید می‌شود، ولی به علت مدیریت در حال حاضر فقط ۲۵۰۰ متر رفو تکمیل و آماده فروش می‌گردد و مابقی در انبار کارخانه نگهداری می‌شود. فعلا حدود ۳۰۰ مانتینها کار می‌کنند. با توجه به برابری که متخصصان کرده‌اند در صورتیکه از جمع امکانات موجود در کارخانه به نفع صحیح استفاده شود، می‌توان میزان تولید روزانه را که در تهران حاضر ۲۵۰۰ متر است به ۲۵۰۰۰ متر افزایش داد. مانتینها و سایر دستگاههای تولیدی کارخانه از کشورهای آمریکا، لیسیتی نظیر آمریکا، آلمان و ایتالیا وارد و منتاز شده است. محصولات کارخانه بطور عمده در اختیار چند تاجر سرخشا فرا می‌گردد و از طریق آنها با چند واسطه دیگر در بازار عرضه می‌گردد. تعداد کارگران در حال حاضر ۶۰۰ نفر است که حدود ۸۰ نفر آنان را زنان کارگر تشکیل می‌دهند. ضمناً ۲۹ کارمند و دو متخصص آلمانی نیز در کارخانه مشغول کارند. ساعات کار کارگران به شیفتی است. در صورتیکه کلیه قسمتهای کارخانه کار کنند حدود ۳ هزار نفر کارگران کنونی یعنی تا ۲ هزار نفر می‌توانند در کارخانه مشغول کار شوند. حداکثر حقوق کارگران در حال حاضر ۸۰ تومان است که به کارکن نمونه تعلق می‌گیرد. مزایای کارگری از قبیل حق مسکن و اولاد و سود ویژه نیز برطبق قانون کار شاهنشاهی پرداخت می‌گردد. ولی امکان استفاده از فلسفوسین کارخانه فقط برای شیفت ۸ تا ۵ فراهم است. تعدادی از کارگران نیز به علت دور بودن محل سکونت نمی‌توانند از سرویسهای ایاب و ذهاب استفاده نمایند.

چرا کارفرما، اعتصابی را که خودش را نادانداخته سرکوب میکند

عدم تشکل کارگران و تسلط سرمایه‌داری وابسته با انکار به فقر و اختلاف همواره سدی در راه مبارزات حقه کارگران بوده است. بهمین جهت حرکتها حق طلبانه کارگران عمدتاً حالت فردی و موضعی داشته است. و در مواردی کارفرما دردمند بوجود آوردن اعتصابات منع خود بوده ولی هوشیاری کارگران این توطنه‌ها را نقش

براب کرده است. اولین اعتصاب کارگری در کارخانه تاج در سال ۲۹ اعتراض به عقب‌اندازن پرداخت حقوق صورت گرفت. اعتصاب از جانب ابدای مبارزاتی سازمان یافته بود تا وسیله آن بتواند وام کلانی را که از بانکهای دولتی درخواست نموده بود وصول نماید. لکن کارگران از موقعیت استفاده کرده و افزایش حقوق را مطرح می‌نمایند. با اعتراض شدن این درخواست اعتصاب سرکوب می‌گردد. در سال ۵۳ کارگران تقاضای افزایش مزایای خود را می‌نمایند. تا مدت اعتصاب ۲۲ روز طول می‌کشد، تا اینکه بار دیگر آزادی سرانجامی که در صفوف کارگران نفوذ کرده بودند تشکل کارگران را بهم می‌ریزند و بدون اینکه حتی حقوق مدت اعتصاب دریافت شود، اعتصاب پایان می‌یابد. در جریان قیام‌های ۵۷ کلان‌مقیاس کارخانه ایاب و ذهاب تولیدی تاج می‌گردد. مبارزاتی را به کتک ساواک و مزدوران حکومت نظامی جلو اعتراضات و راه پیمایی کارگران را سد کرده و اعتراضات انفرادی نیز با اخراج کارگران و تهاجم با پایمان می‌یابد. بعد از پیروزی قیام نیز دست‌اندرکاران و سرکوبگران رژیم سابق همچنان بر اوضاع مسلط بوده و فریادها حق طلبانه کارگران را به نوعی دیگر خفه می‌نمایند.

کمیتة انقلابی!
در رژیم سابق ابدای سرمایه‌داری وابسته و ساواک با تشکل سندیکای فرمایشی و انتصاب عامل خود بعنوان نماینده کارگران حرکت کارگران را کشتلر و سد نموده و کارگران مبارز و آگاه را شناسایی نمودند. از جمله سندیکای فرمایشی کارگران را در سال ۵۰ تشکیل داده که در آن یک کارپرداز ساواک بعنوان دبیر سندیکا مأمور شناسایی کارگران مبارز و فعال گردید. از طریق همین سندیکا چندین کارگر زندانی با تمیید و اخراج شدند. فعالیت این سندیکا که از سال ۵۷ (قبل از قیام) ادامه پیدا کرد. در اوایل استفاده ۵۷ و در پی فرار مبارزاتی، از جانب دولت موفق به بعضی روحانیون اصفهان بود فرقی کارخانه برآمده می‌کنند و کمیته انقلابی کارخانه را تشکیل می‌دهند. بکفر همین سندیکای فرمایشی وقت کارخانه از طرف دینفر مذکور منسوب می‌شود.

حقوق کارگران را نیز دریافت می‌کند.
کمیتة کار خود را جهت رسیدگی به مشکلات کارگران و کارخانه آغاز می‌کند. حدود ۲۰ روز بعد بودجه‌ای

حرکات ضدکارگری شورای فرمایشی به جایی می‌رسد که در یک جلسه هتکامه یکی از کارگران خواستار توضیحاتی برابرمون حق مسکن سود ویژه و... می‌شود از سوی یکی از

گذری در محلات شهر (۵)

شهرها در چنگال امپریالیزم

گودیکی از بارزترین مظاهر جنایات سرمایه داری (۲)

بدنبال جنبشهای که درباره رشد سرمایه داری و گسترش بی بند و بار شهرها و حاشیه نشینی شروع کردیم، گزارشی از گودهای داشتیم. در این شماره به گودها نزدیکتری میرویم و به دنیای درونشان سر می کشیم. تا حقایق بیشتری از ظلم و جورگی که بر این زحمتکشان می رود ببینیم و ببیند حاکم بر این همسایه های نزدیک و متصل، آن فراموش شده تهران را درک کنیم.

قبلا مختصری از شرایط کار و مسکن این هموطنانمان را خواندیم و حالا رسیده دگرگی از زندگی جنینی آنان را مطالعه می کنیم.

فقدان مکانات رفاهی و شهری

وارد گود که می شوی، گویی به روستایی دورافتاده در ماورای شهرها یا کدنداهی، و اینها که نام باستانی است که در کنار گودی جغرافیایی خود، همه خصوصیات یک زندگی فلاکتبار را در درون خود جمع کرده است. کوچگاه و ماپرش تنگ و پیچیده دار و بر فراز و نشیب است. گاهی خشک و برگردو خاک است، و زمانی با اندک برف و بارانی پر از گل و لای و لجن. در اکثر نقاط از آب تصفیه شده لوله کشی خبری نیست. و تنها تکیه تکی "تشری" ماهیتیست و بر از ازدحام و ماهوی تشنگان. حتی تا ساعتی از

شب هم جمعیت انبوهی را می بیند که در کنار شیرهای آب صف کشیده اند. زنان و دختران زیادی که در کنار همان زمین فشاری مشغول رختشویی هستند. گودگانی که چند سطل آب در یک گانگ یا سطل زوار در رفته گذاشته و بخانه می برند و... در این منطقه فضولات آبیهای شمال شهر از فاصله چند متری زیر زمین می گذرد و در نتیجه فضای غیر بهداشتی و عفونت راست که بخصوص در تابستان به شدت در این منطقه بکثرت می کشد، در تابستان گرمای شدید، باندازه راههای آبیانه شده، آب تیره و غلیظ جویها و کدندیاها و در واقع لجنهای روان و خیل گسبا و حرزات دیگر که گویا از روی زباله ها بر می خیزند، بیداد می کند. در گود از نظافت و بهداشت، پارکوی فضای سبز و حتی حمام درست و حسابی، باندازه کافی خبری نیست. و جالب اینجاست که هر چند وقتی یکبار شهرداری، فریاد خدشات جنوب شهری را سر می دهد، ولی بایستی گودنشینان بود تا زهر خندان با مصالح خدمات شهری را حس و لمس کرد. نتیجه طبیعی و بلا فصل، فقر و تنگدستی، کم غذائی، محیط آلوده و... بیماریهای گوناگون هموطنان گودنشین است، چهراکتز هموطنان گودنشین، حاکم از درد و رنج و بیماریهای مزمن و گوناگون دارد.



بچه های اندیشید؟ به میراث شوم رژیم شاه؟ یا به امیدهای بر باد رفته بعد از شاه؟

بتونم یگار ادامه بدم، بجای مسکن تریای بکشم. غیر از شما هم توی این محل کسی معناد هست؟ تا دلت بخواد! هرچی جوونه معناد شده. از وقتی که جلوی مشروب را گرفتند، خیلی ها هروئینی شده اند. هروئین از کجا میارن؟ قاچاقچی ها از جاهای مختلف می آورند. مثلا دو کیلو میارن و بهر معنای ده گرم، بیست گرم می دن. معنای ده هم یک مقدار شو صرف می کنند و بقیه اش را هم می فروشند. از کجا پول میارن؟ از دزدی.

دیزگی که اهل مشهد است و ۱۵ سال است که به تهران آمده می گوید: - دوازده ماه است که توی گود زندگی می کنم. قبلا تو خیابان خزانه بودم و چون اینجایا کار بیشتر بود، او دمدم اینجا.

دیزگی که اهل مشهد است و ۱۵ سال است که به تهران آمده می گوید: - دوازده ماه است که توی گود زندگی می کنم. قبلا تو خیابان خزانه بودم و چون اینجایا کار بیشتر بود، او دمدم اینجا.

مسائل فرهنگی و رشد فساد در منطقه

فقر و بیکاری و مسرت زندگی و فرزندان متعدد و دهها فشار و ناز دیگر باعث شده است که در بین گود نشینان درصد افراد باسواد بسیار کم باشد. بطوریکه روز افراد من از ۵٪ تجاوز نمی کند. مدارس موجود تکاوی تقاضای مراجعین را نمی کند و نسبت به جمعیت بسیار محدود است. و تازه این مدارس هم که هست نه معلم دارد نه آزمایشگاه و نه حتی کلاس درست و حسابی، و چه سکه ساختمان مدرسه هم در حال ریزش است. آنگاه با کلاسهای خلوغ که در خیلی از موارد دانشموزان باستانی روی زمین بنشینند. از همه اینها که بگذری فکر کردنش می تواند چه اثر را مدرسه بفرستد. نان می خواهد و کتاب می خواهد، لباس می خواهد و لذا مجبور است او را بکار بفرستد. خیلی که هنرند کلاس نشانه می رود و نصف روز کار کند و... بخاطر همین چیزهاست که بستی از ۵۰٪ جوانهای گود نه مدرسه رفتند و نه سواد خواندن نوشتن دارند. و البته خوشتر است که تحصیلات دبیرستانی بسیار کمتر از ۵٪ است و تازه پایای فقر و ناآگاهی، نداد هم در کار است. که طعمه آن بیشتر نوجوانان و جوانان اند. بطوریکه بلای قمار و اعتیاد از جمله کارهای رایجی هستند که در این منطقه بویژه و در بین گودنشینان فروش مواد مخدر و اقامه به قاچاق از سیگار گرفته تا اجناس بیرون و قابل فروش مثل تریاک و هروئین از قلمبازای بر جاذبه بشمار می آید. و این شرایط شوم رژیم متصرف پهلوی همچنان به تاهای نیروی نسل جوان و هزر رفتن آنها ادامه می دهد. رژیم شاه مستقیم و غیر مستقیم در بخش های اشاعه مواد مخدر و اعتیاد، دست داشت. از این امر و این خواست جلوی غرض انقلابی توده های مردم را بگیرد. اشاره به این نکته ضروریست که امپریالیسم و رژیم ضد فاشیستهای "شاه خائن" همواره تلاش داشته تا از آگاهی و جبهل مردم آگاه کرده و بر آنها سوار شود و تانف و تانف در اینست که پس از انقلاب هم بقایای رژیم سابق، مرتجعین و کسانیک بنا و حاشاتان در ناآگاهی و جبهل مردم است و بعبارت دیگر تانگای ناآگاهی مردم را می خوردند. از این نقطه ضعف سوجدستی و می خواهند تا کتبه بر این جبهل همچنان به سلطه بر آنها ادامه دهند.

تغییرات گودها پس از انقلاب

از آنجا که حل مسائل این جنبشی جز در جریان یک مبارزه همه جانبه با امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است که در تهران نیست، لذا تغییراتی که بشود به آنها دل خوش کرد در گودها بچشم نمی خورد. و در واقع شاید بشود گفت چندان چیزی تغییر نکرده است. بیشتر کارها، مرهم گذاشتن بر یک زخم است که محتاج به جراحی و عمل پزشکی است. پس از انقلاب امید و شوق همراه با توجع و انتظار در همه جا موج می زد. در گفتگوها، در جشنها و در شعارش صبر و حوصله بکند. حق مردم داشتند. طاعت خون آتام رفتند و دولت اسلامی بجای آن آمده بود. ولی اکنون مشکلاتی که اسدفا هروز کرکرتگر و کم دانسته تر بود. انتظارها فروکش کرده و توفات به بدبختی و فروگردن تبدیل شده است. از دولت قطع امید کرده و به خود امید بستند. "خودی که زیر فشار بیکاری، فقر، نداد و مرض دست و پا میزند و راهی پیدا نمی کند.

شورای اسکان و تاثیر آن

در برادری که از مشهد آمده و دوازده سال است ساکن گود می باشد، درباره شورای اسکان می گوید: می برم، میگردم، شورای اسکان و شورای اسکان و شورای اسکان می شناسم، همونها بودند که خوسمو (خانه ام را) خریدند. اگر اونجا نبودند تا یک بار زندگی دیگه با زن و بچه ام می رفتیم زیر آوار. اینها که تو شورای هستند، انسان دوستن، به مردم می رسن. اگر شورای نبود فکر می کنی کسی به شماها نمی رسید؟

نه. چون اینا خیلی زحمت می کشن. هر جای دیگه ای که میری بهت جواب نمیدن. از وقتی که پول اومدن، اسطالت کردن، فشاری گذاشتن، تا پارسان همعاش تو گل بودیم. آقای شادانی از اهالی گود می گوید: - تا اونجا که من می دونم، دولت به اینا گنگ نمی کنه، پول بشون نمیده که برای ما خونه بسازن. نمیدونم چرا! اما خودشون خوسین. زحمت کشیدن. اما این شورای هم نبود، دیگه الان گود ماخرابه بود.

شورای اهالی اسکان گودنشینان جنوب تهران مشکلاته که در محوطه قار درجهت کمک به اهالی گود شروع بکار کرده است. اما کانتاکت کم، دست و پا نشی است. با اینهمه بخاطر علاقه و تلاش گردانندگان آن در چشم مردم عزیز است. و در حد خود امید آفریده است. اگرچه چارگی بسیار است. بخصوص از طرف آنها که مخالف با هر نوع تغییرند مگر آنکه هر چه بیشتر منافع فراران آنها را تضمین کنند. و روی همین اصل تاکنون بارها از این بین اهل این نقطه امید کوچک مردم گود دست به توطئه زده اند. (ادامه دارد)

فرازهای پر شکوه جنبش اتحادیه های آغاز می شود

انحرافی. جریان فوق به غلط، حکومت ملی مدق را دست شانده! آمریکا دانسته و شروع به مخالفت با او کرد. (مخالفت های این جریان به شکل راهماندختن اعتصابات و تظاهرات بپیور بود. از جمله اعتصابات نفت در همان اوائل به قدرت رسیدن مدق و اعتصابات قوتن کارخانجات سیمان، دخانیات و رامهن و یا تظاهرات گودنشینان انگلیسی، تشکیل شورای واقعی کارگاه و قانونی شدن اعتصابات بود. شرکت نفت اعتصاب را غیر قانونی اعلام کرد. حکومت خود فروخته علاوه که در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در تهران بمدت دو ماه حکومت نظامی اعلام کرده بود. از تاریخ ۴ فروردین ۱۳۳۰ در خوزستان نیز حکومت نظامی برقرار کرد. تانکها و نیروهای مسلح در مناطق مختلف خیزگاری مستقر شده و دهها نفر دستگیر و تبعید شدند. حکومت امپریالیستی انگلیس اعلام کرد برای دفاع از منافع خود! کشتیهای جنگی به آبدان گسیل خواهد داشت. ولی سرانجام شرکت نفت انگلیس پس از مقاومت دلبرانه کارگران بناچار اعتصاب را قانونی شناخته و با بعضی از خواسته های آنها موافقت کرد. چیزی نگذشت که مجددا توسط حکومت نظامی بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران دستگیر و به محاکمه کشیده شدند. دفاعیات پرشور کارگران در دادگاه و حمایت ستارسی زحمتکشان ارتجاع را وادار به عقب نشینی کرد. کارگران پس از چندروز آزاد شدند. پیوزی اعتصاب تفنگران، محصول اتحاد کارگران و سایر زحمتکشان مبین بود.

۲- جریان دیگر درون جنبش اتحادیه های بطور عمده از کارگران غیرمتشکل تشکیل شده بود. این جریان معتقد به تقویت حکومت دکتور مدق و حمایت از برنامه های او بود. مثلا در روز ۲۹ و ۳۰ تیر ۱۳۳۱ کارگران انبار چای سازان برنامہ، چند ساری تهران، کارخانه سیمان و چند کارخانه دیگر با تائید اعلامیه "جمعیت مبارزه با استمرار" به مدت ۲۴ تا ۲۸ ساعت اعلام اعتصاب کرده و وفالانه در تظاهرات ۳۰ تیر به منظور بازگرداندن مدق به قدرت شرکت کردند.

سرکوب اتحادیه های کارگری بعد از وقوع دومین کودتای امپریالیستی

توسط شرکت امپریالیسم آمریکا و انگلیس موجب کودتای تنگین ضد خلقی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شد. حکومت کودتا با قلیو قیوم شیرهای مبارز و ایجاد محیط فشار و خفگان و تقویت و ایجاد بازوهای سرکوبگر پلیسی و... مانند ساواک به سرکوبگری دست زد. توری مطلق پیش رفت. در سالهای ۲۲ تا ۲۹ رژیم سر به گونهای اتحادیه های کارگری را سرکوب کرد که در سال ۲۹ بجز تعداد کمی تشکل کارگری مخفی، تشکل دیگری باقی نماند. اما مبارزات کارگری به شکل اعتصابات پراکنده و

جریانی که در مسیر جنبش ضد امپریالیسمی برهبری دکتور مدق حرکت نمیکرد. جریان فوق الذکر با شرکت در دولت ضد مردمی قوام توانسته بود برای خود موقعیتی کسب نماید. لذا هم آواز با توجع در اختیار کارگران قهرمان شرکت نفت را با وعده و وعید های توخالی مثل "تمد رسیدگی به کنتار کارگران توسط دولت و دستگیری عادلانه حادثه" دعوت به آرامش می کرد. حرکتی که می توانست بنیان رژیم پوزنالی و مزدور امپریالیستی را به لرزه درآورد. توسط رهبران منحرف شورای مرکزی اتحادیه ها مهار شد. بهرحال انعکاس حرکت تفنگران انقلابی و سایر کارگران، دستگاه حاکم را مجبور به دادن امتیازات زبانه به کارگران کرد. تکمیل قانون کار، بیمه های اجتنابی، تعیین حداقل دستمزد، و بالاخره تشکیل وزارت کار برای رسیدگی به امور کارگران از اقدامات بعدی رژیم در رابطه با خواسته های کارگران بود.

نمایش ارادۀ انقلابی کارگران در برابر ارتش ایران و انگلیس

بدنبال تورو نار فاجع شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و به سازش رسیدن جناح های مختلف رژیم، تهاجم ارتجاع علیه نیروهای مترقی و مردمی و سازمانهای کارگری شدت گرفت. سازمان رژیم در دیکتاتوری به محافل، سازمانها و اتحادیه های کارگری هجوم برده و همه را سرکوب کرد. در اردیبهشت ۱۳۲۹ اعتصاب کارگران مبارز شاهی (مخمس شهر کنونی) را سرکوب کرده، پنج نفر را کشتند و ده ها نفر را مجروح و ۱۵۰ نفر را دستگیر نمودند. تهاجم ارتجاع با سدی از مقاومت اتحاد مختلف خلق از جمله کارگران که خواستار ملی شدن صنعت نفت و قطع وابستگی به امپریالیسم بودند، روبرو شد. حرکت های مختلف مانند راه پیمایی ها و تظاهرات و اعتصابات رژیم را مجبور به پذیرش ظاهری خواسته های مردم کرد.

بدنبال تورو رژیم را، "علاء" عامل خود فروخته انگلیس به نخست وزیری منصوب شد. علاء پس از اعلام ملی شدن نفت در سراسر کشور در موضع گیری متفاوت دو جریان درون اتحادیه ها در مقابل دکتور مدق

در اردیبهشت سال ۱۳۳۰ دکتور مدق بر اثر خواست و تمایل ملیپوینی مردم زمام امور را در دست گرفت جنبش اتحادیه های در برابر حکومت ملی مدق دو خط مشی متفاوت را دنبال کرد:

۱- جریان رهبری مسلط در درون اتحادیه های کارگری با ماهیتی

خواهران و برادران عزیز:

چند هفته‌است که نامهای سه دستان رسیده که راستن نمی‌دانیم یا آن چه کاری بکنیم؟ زبرا یا وجودیک آدرس نوسونده‌ها را هم داریم ولی نمیتوانیم با نوسونده آن تماس بگیریم. انتقادات مادامه و بازنده، صراحت گرفته و هشدار دهنده و دقت نظر و همه جانبه نگری نامه براستی ما را شرمند کرده است. بخصوص اینکه نوسونده آن فقط اهل حرف نبود بلکه در صحنه عمل نیز نشان داد که به چیزی که معتقد است سخت پای بند بوده چرا که تا آخرین و سختترین لحظات روی حرف خود ایستاد. و از بذل هرچه که داشت دریغ نوزدید... بسیاری از حرفهای نوشته شده در نامه را نمیتوانیم پاسخ بدهیم، بسیاری دیگری تا باید عمل کنیم. و در مورد بقیه توضیحاتی بدهیم. اما همانطور که گفتیم مهم این است که نمیتوانیم با نوسونده مستقیماً حرف بزنیم.

مردم و مجاهدین

گویا قرار است هر هفته از توهین شنیدن، کتک خوردن و... خواهران و برادرانمان گزارشی داشته باشیم.

فکر می‌کنند که همه سازمان بر دوش چند نفر برادران مجاهد آقای رجوی، خیابانی و چند نفر دیگر است. در حالی که سازمان ما کم‌کم بیشتر افراد سازمان را به مردم بشناساند تا افرادی ناکرده بعد از درگذشت این آقایان هواداران این سازمان دلسرد نشوند. آخر نامه آمده است: سازمان مجاهدین هم بداندند که تعداد زیادی دختر شهید داده است ولی مثل آن‌ها که است که سازمان دیگر عضو دختر ندارد. شاید هم دارد و شما در سخنرانی‌ها متریسید فرغستید صحبت کنید در خدایکده دختران هوادار سازمان تعداد زیادی هستند و اگر امکان دارد خواستم بشنهادم کتب از طرف سازمان در بعضی از سخنرانی‌ها خواهران عضو سازمان برای سنجش هر چه بیشتر سازمان در بین کارخانها و مدارس و خانه‌ها و کارخانها می‌تواند "خواهش می‌کنم اگر برای شما امکان دارد برای درک و آگاهی من نامه ای برای من بفرستید و یا در تشریح مجاهد جوانم را بدهید." انوس که نامه دیر بدستان

فردا را بعهده دارند؛ نگاه انشائی و مقاله‌ای از آنان برپایان فرستند. ضمن تشکر از زحمات این خواهران و برادران، سنگینی مسئولیتشان را در قبال نسل فردا یادآوری می‌کنیم. امیدواریم همه این عزیزان در راه و بیخ و خمشان موفق باشند و بقیه داشته باشند که زحمتشان به ثمر خواهد نشست. پیروزی از آن کسانی است که نسل فردا را داشته باشند.

در همین رابطه برادران ما ع. و از یکی از برادران جنوب ایران نامه‌ای نوشته است. این برادر ضمن بیان وضع بسیار بد اقتصادی خود و اینکه با چه امکانات محدودی به مطالعه میرسد و بعد هم شهادت از فعالیت‌های خود را می‌نویسد و می‌گوید که "کتابهای سازمان را از یک معلم مهربان دولسوز گرفتیم معلمی که حساب‌مجموع عمل ارتجاع او را گویست و فرغ خدا معرفی کردند و... بالاخره مجبور به ترک ده شد."

اکون رسالت سنگین ادامه راه این معلم شجاع و فدakar مجاهده این برادران است. برای هر دوی آنها آرزوی موفقیت می‌کنیم.

گویا قرار است هر هفته از توهین شنیدن و کتک خوردن خواهران و برادرانمان گزارشی داشته باشیم و متأسر شویم. هرچند که معتقدیم بر واقع این ارتجاع است که باید سرانگشته باشد ولی تاریخ ما از نداشتن امکان کافی برای درک پیامهای این خواهران و برادران است. استوار باشید.

برادر یا خواهری بنام م. ا. م. عزم آباد لرستان نامه بسیار زیبایی برپایان فرستاده‌اند. امیدواریم که با توانایی از پس این همه صداقت و فدakarی هوادارانمان از طریق تحقق اهداف توحیدیمان برترسیم.

برادر م. در آخر از آمد نامه مفصل و تحلیل کردیم شما رسید بداشتن شما برادران آگاه و عسق افتخار می‌کنیم. یکی از دانش آموزان دبیرستان

کاهی که به ما حمله می‌کنند متوجه خواهند شد و از راه غلطی کمی روند برواهدنگت و انتقاری که فرزندند و با رشد نیروهای انقلابی و پیشران انقلاب منافقان به خطر می‌افتند. عناصری که ششاه اصلی این حرات هستند. برای مردم روشن شود و آنها در پیشگاه خلق رسوا شده و از مسیر حرکت جامعه حذف خواهند شد. پس از پایان سخنان برادر مجاهدی‌بی‌خیالی، مادر قهرمان رشادتهای شهید تن قطعه‌ها خانواده های مجاهدین متحصن بر شرح زیر قرائت کرد. سپس سخنانی از مجاهدین به تدریج محل امداد پزشکی راترک کردند.

متن قطعه‌ها

خانواده‌های متحصن

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ما خانواده‌های متحصن در مرکز امداد مجاهدین خلق که بخاطر اعتراض به حمله مسلحانه به مرکز امداد متحصن شده‌ایم، ضمن تشکر از کلمه بارانها، اجزای و شخصیت هایی که در این مدت از تحصن ما حمایت کرده‌اند بن به توصیه حاج احمدآقا خمینی فرزند امام که پیام شده بود از آقای شانه‌چی ابلاغ شد بعد از ۱۱ روز به خانه خود خاتمه می‌دهیم و امیدواریم با بهبودی هرچه سریعتر و کماقتر زندان ما و توجه رهبری و سفارشات ایشان و توجه مقامات مسئول جلوی هرگونه حمله و هجوم بر علیه فرزندان ما جاهد ما گرفته شود. در خاتمه سلامت و طول عمر امام خمینی را از خداوند متعال مسئلت می‌نمائیم.

پشتیبانی وسیع از تحصن خانواده‌های شهیدا

واو از از جاز از اعمال و حشیانه عناصر مرتجع و فالاتر است

سکوت مقامات مسئول را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ اینگونه اعمال و حرات را که بر علیه فرزندان راستین انقلاب و زیر لوی شخص رهبری انجام می‌گیرد، محکوم کنند.

گروهی از هیئت علمی مسلمان دانشگاه خدیجه‌تابور اشاره کرده‌اند که سکوت مقامات مسئول نشانگر ماهیت نفوذ نیروهای وابسته به امپریالیسم در دستگاههای اجرائی کشور است.

کانون کارکنان مسلمان شهر داری شیراز تا کتک کرده‌اند که دیگر مسلم‌دهد است که درسی اینگونه تحریکات و مصلحت، اجزای و عناصر معلوم‌الحالی قراردادند که از فرای انقلاب هواره نظای داشته‌اند تا انقلاب را از مسیر دماهری‌راستی آن خارج کنند.

در اعلامه جمعی از کارکنان مسلمان کوریه‌ریخته‌های آمل آمده‌است: ما توجیه به تقاضایان مرکز مجاهدین خلق از مقامات مسئول در مورد جلوگیری از اینگونه حرات و بی‌غزایی آنها، ما دفاع مجاهدین خلق را در مقابل این حرات ق قانونی آنها دانسته و از آن حمایت خواهیم کرد.

همچنین گروههای زیر که کارکنان و کارکنان موسسات مختلف، استادان دانشگاه، علمین و پزشکان، طبی اعلاسیه‌های مختلفی از تحصن خانواده‌های شهیدا پشتیبانی کردند و با محکوم کردن حرات مرتجعانه افلازها از مقامات مسئول خواستند تا موضع خود را مشخص کنند. جمعی از کارکنان مسلمان شرکت ساختمانی بی آی ام - محمودآباد. جمعی از اصناف خیابان نور. بازاربان مسلمان آمل. گروهی از اداراتی بایل. گروهی از کارکنان مسلمان مخابرات بایل. جنش معلمین مسلمان بایل. جنش معلمین مسلمان قائم‌شهر. گروهی از کارکنان مسلمان اداره دامپزشکی و کشاورزی بایل. جمعی از فارغ‌التحصیلان دانشکده کشاورزی خنیدنیزاد. جمعی از استادان دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. جمعی از پزشکان مسلمان کرج. جمعی از کارکنان دانشکده منابع طبیعی مشکین‌نوم. کارکنان مسلمان شیشه‌سازی شیراز. جمعی از کارکنان مسلمان مجتمع پتروشیمی شیراز.

دکتر محمد فتح از اصطیبات فارس نامه‌ای برپایان نوشته که سراسر از همان حرفهای مهدستی مرتجعین است. ما متأسفانه نام و آدرس کامل نوسونده نبود تا بتوانیم حد اقل باناهای او بخوایم کتک‌خانی یا بیشتر برامات‌کنند. برادر کردمان، ک. از مهاباد نامه‌ای برپایان نوشته است. در نامه سخنرانی امیروز است: هر که رای شده است حق نظر ندارد. ... امیدواریم از غم‌خیزان را باز کنند و نتایج شمشع عملکرد خود و همالگی‌هایشان را در این یکساله ببینند و عبرت بگیرند.

نامه‌های از خواهران و برادران مسلم با رسیده است. این عزیزان کورسالت احسانت یادگر خلق قهرمان کرد باید

از طرف سازمان در بعضی از سخنرانی‌ها خواهران عضو سازمان را تیر بفرستید این مطلب باعث نفوذ هر چه بیشتر سازمان در بین خواهران مادر مدارس و خانه‌ها کارخانها می‌شود

رسید و نوسونده آنرا وقتی شناختیم که دیگر نمیتواند حرف‌بایان را بشنود. آخر میدانید بنوسنده نامه شهید عباس عامی است که دوست مرتجعین جاشکار کارخانوارندانه به شهادت رسیده ما این نامه را از خانه او بعد از شهادت پیدا کردیم، ارنابه را نوشته بود ولی هنوز موفق به بست کردن آن نشده بود.

اکون که او از پیش ما رفته، در کنار پدر طالقانی و سایر خواهران و برادران شهیدش به ابدیت پیوسته است، کار دیگری از دستمان برنماید جز تجدید بنیای او که راهش را ادامه دهیم و تا تحقق آرمانهایش از پیش نماندیم.

اخیراً نامه‌های متعددی از

هجوم و رگبار مسلسل قرآمی‌دهند ما می‌دانیم این هجوم از طرف عناصری شده که بعضی از آنها در کتکته و در بین پاسدارها هستند و ما می‌دانیم چه دست‌هایی در پشت این

در بسیاری از اعلامیه‌ها و بنایه ها ضمن تاکید بر عواقب خطرناک تداوم اینگونه حرات فاشیستی هشدار داده‌اند که اگر مقامات مسئول همچنان سکوت را ترجیح دهند و به مسئولیت خود در مورد جلوگیری از حرات انحصارطلبانه عمل نکنند، ما به دفاع از آرمانهای انقلاب و جدای لگنون کلن آن، به مسئولیت خویش عمل خواهیم کرد و مشت را با مشت و گلوله را با گلوله پاسخ خواهیم داد. ذیلا به پاره‌ای از اعلامیه‌ها، تلگرافها و بیانیه‌های که تاکنون بدست ما رسیده است اشاره می‌کنیم:

گروهی از کارکنان شرکت ملی حفاری نفت ایران ضمن پشتیبانی از تحصن خانواده‌های شهیدا اشاره کرده اند که خود اینگونه حرات این شبهه را برای مردم بوجود می‌آورد که کتک مقامات مسئول خود را بخواب زده‌اند و با اینکه کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه خوابیده است!

گروهی از اعلامیه جمعی از کارکنان مسلمان شرکت حفاری و سروس و رسوس نفت جنوب آمده‌است که: از رهبر انقلاب امام خمینی تقاضا داریم

پیام فرزند امام خمینی، حاج احمد خمینی تحصن خانواده‌های مجاهدین خلق پایان یافت

سخنان برادر مجاهد موسی خیابانی پس از پایان سخنان آقای شانه چی، برادر مجاهد موسی خیابانی با اشاره به کشیکهای خانواده‌های مجاهدین خلق به آقای شانه‌چی اظهار داشت که ایشان نماینده دولت یا شورای انقلاب نیستند تا به مسائلی که آنها باید جواب دهند پاسخ دهد، همانطوری که خود بیان کردند آقای شانه‌چی از طرف فرزند امام به اینجا تشریف آوردند تا پیام ایشان را به شما برسانند. من فکر می‌کنم خود ایشان در تمامی این مسائلی که اینجا بیان می‌کنند پاسخ رضائی بیان کردند. با همه شما مودر هستند و این مسائل را کاللا درک می‌کنند. آنگاه موسی خیابانی به حرات و هجومی‌های مکرر به اعضا و مراکز مجاهدین خلق و رنج و مشقتهای که مادران و خانواده‌های مجاهدین

تحمل می‌کنند اشاره کرده و افزود شما خانواده‌های مجاهدین به رنج و سختی در راه آرمانهای انقلابی عادت کرده اید چون همیشه فرزندان شما مورد این قتل‌حوساها و حرات بوده‌اند، زمان رژیم شاه که جای خود دارد، سالها در زندان و پایت دهرهای زندان و به طرق دیگر دچار زحمت و سختی شده اید. دهر صورت ما فرزندان مجاهد همانطوری که خود بیان کردند آقای شانه‌چی از طرف فرزند امام به اینجا تشریف آوردند تا پیام ایشان را به شما برسانند. من فکر می‌کنم خود ایشان در تمامی این مسائلی که اینجا بیان می‌کنند پاسخ رضائی بیان کردند. با همه شما مودر هستند و این مسائل را کاللا درک می‌کنند. آنگاه موسی خیابانی به حرات و هجومی‌های مکرر به اعضا و مراکز مجاهدین خلق و رنج و مشقتهای که مادران و خانواده‌های مجاهدین



آقای شانه‌چی فرستاده فرزند امام در کنار برادران مجاهد و در خانه‌ها دیده می‌شود.

ماجرای آشوب نهاوند چه بود و چگونه بوجود آمد؟

وجود داشته، او خودش را میان گل و لای می‌اندازد و با مالدین خودش به گل‌ولجس موفق به خاموش کردن آتش می‌شود اما چند نقطه از بدنش شدت می‌یوزد. او با آن حال نزار خود را به منزل یکی از آشنایان و از آنجا به سلماس می‌رساند، و آنجا بستری می‌سند.

استانته کرده‌اید اگر خیال میکند که جانیگاران به همین جا بسنده کرده‌اند، آنها بعداً نامه‌های تهدید آمیزی برای بریتیکار سلماسی که مراقت از برادر مرحوم ما را معیده گرفته می‌نویسد که اگر از مصالحه او دست برداری سر هر دوچه‌هایی را برده و در کار ستر همسرت میکذارم و با در راه سلماس همان لایه که می‌رسد، او دردم بر تو نیز خواهیم آورد!!

سهرال این حلات غریبانه و در همین حال مدبوخه با حذف کاندیدهای ما و کنار کشیدن سازمان از جنبش‌های ملیت‌پای انتخابات ریاست جمهوری خاشته نیافت و البته حقوق ما همین بود، زیرا ما به ما باطنی کاندیدهایمان نمی‌تدیم، و نه ارتجاع از حلات تاریخی نجات می‌دهد! نکته دیگری که بارها گفته‌ایم و به اثبات رسانده‌ایم اینست که نباید پنداشت اعلی‌ترین قبیل، از طرف جانگسکان و چاق‌قادران بطور فردی و بی‌ربط با "جانی" صورت می‌گیرد. این حلات دیباچه سازمان‌های و هدایت شده‌است. حریمات اخیر سپاه بود که در حوض احوالا خواهیم گفت این واقعیت را بوضوح نشان می‌دهد.

چگونگی ماجرا و آغاز آن

درگیری امینار به از مدرسه و از محیط آموزشی شروع شد، (آخر سپهبدان و دانشس سنج ازره‌چی از ارتجاع را تفکک می‌دهد!) روز چهارم شنبه ۱۰ بهمن به نزار از مقامات شهر که به ماهای حاجی طالع‌باز (شیردار) شامی و عادی به حمایت از دختر رئیس گشته شهر که با یکی از آنها هم تدریس دانش منظور تحقیق! وارد مدرسه محبوسه متحدین نیابند می‌شوند (حال هر دو سیدی و وضع مدرسه که ربطی به شیردار و گمنه و... دارد به کسی مربوط نیست!) حضرات پس از مشاهده پوسترها و اعلام‌های مجاهدین و سایر نیروهای مترقی به دیوار مدرسه، شروع به کندن آنها و احداث به طلمن مدرسه می‌کنند. دانش‌آموزان دبیرستان که از این وضع برآخته شده بودند، اعتراض می‌کردند و علیه آنها به تظاهرات می‌پرداختند. چون این مورد اولین تجاوز به حریم مقدس آموزشی نبود، دانش‌آموزان سلماس تظاهراتی برای رفع این مبراحتها و مخالفتشان انجام و به منظور رسیدگی به شکایت حقیقت در تاریخ ۱۳ بهمن اقدام به تحصن در محل اداره آموزشی و پرورش نمودند. وقتی ارتجاع با عکس‌العمل متحد و یکپارچه دانش‌آموزان و فرهنگ بان رو به رو شد و توده‌های محکمی جورد متصم به ضرب سنجش نثار دادن گرفت. از این رو شیخ حیدری، به اصطلاح امام جمعه شهر، دلالتان ما صراحت خود را به رؤسایا فرساده تا در میان رؤسایشان تبلیغ کنند که "کمونیستها به شهر حمله کرده‌اند!" و "کمونیستها" در مدارس نفوذ نموده و بهجای معصوم را بی‌سین کرده‌اند و "... و آنها را برای خاک مالدین دماغ گاه‌ها و بی‌دیباچه!" به شهر ساورند. دست حضرت درمیان اهالی شهر رویتده و احضارات دیگر ریکی ندارد!

سبب چاق‌قادران

به این ترتیب روز یکشنبه ۱۴ بهمن تظاهراتی با شرکت رؤسایشان اتفاق افتاد و سردسکی اوائش شهر احام می‌یوزد و متحصن چون امکان دیگری می‌دادند. به تحصن در آموزش و پرورش پایان داده و در مدارس مستقر می‌شوند. که البته چاق‌قادران هم با حمله به دبیرستان محبوسه متحدین تکب سری به دانش‌آموزان و متحصن می‌زنند. در این روز صفا یکی از دبیران را هم موبال گمنه و دبیرهای انقلاب به عنوان محرک دستگیر می‌کنند.

روز دوشنبه ۱۵ بهمن مصادف بود با میلاد پیامبر تسخیر شده وظنانه از این بوعقت آمده‌اند می‌کنند و رؤسایشان را که برای شرکت در راه

بغیة اضعف‌هاون چنانکه گفتیم این تحریکات و حمله‌ها و هجوم‌ها به "جانی" بند است و صراحتاً چاق‌قادران و ولگرد نیست. ناگهی به روزنامه پنجشنبه ۱۸ بهمن جمهوری اسلامی و کارتی که از این ماجرا دارد، مقصود ما را روشن می‌کند.

جمهوری اسلامی میخواهند نهاوند را به گردستان دیگری تبدیل کنند

● **حلقه مردم بدور "حنیف و طالقانی"**

چاق‌قادران پس از آن کتاب آموزشی‌های "حنیف و طالقانی" را که محل فروش کتاب و نشریات سازمان مجاهدین است، مورد التفات "قزاق" می‌دانند. اما در ناخودآگاه چاق‌قادران از میان آنها عده کثیری از گروه‌ها و مادران بوده‌اند با گروه‌ها و مادران و ستم‌زجر از کثرت خود حمایت می‌کنند. البته شسته‌های مغازه خرد شده و حتی به ساختن کمربندی فوق آسمان با ضربات سنگ و چاق‌آب رسیده‌اند اما حمایت مردم مانع از آن شده که لایه‌های بر سر کثرت "حنیف و طالقانی" می‌تواند بر سر "حنیف و طالقانی" بماند. در جریان این حمله مردم دو نفر از مهاجمین را دستگیر می‌کنند و تحویل کمیته می‌دهند. ولی‌السنه که کشته آنها را رها می‌کند، چون چاق‌قادران به دست خودشان را می‌برد!

مردم همچنان دور "حنیف و طالقانی" حلقه زدند و در بنوق کسب‌خانه که می‌گفتند شای متفرق نبودند خودم‌ها را از اینجا حفاظت می‌کنند. اعتماد نکردند. تا آخر سر کمیته تک‌تصمیم کتبی ۲۸ ساعته سستی بر تمام حفاظت مراکز مزبور به مردم سپارند، و چند یادگار نگهانی آنها را بعداً می‌گیرند تا مردم راضی شده و متفرق می‌شوند. متوجیه قزاقی‌ها که هشتاد نفر مسلح جمع شوند و از مقامات مسئول هم بخواهند تا در آنجا حاضر شده و به شکایتان رسیدگی نمایند. و سبب شاخته شدن واقع دو روز اخیر را کفر دهند. جلسه آتش با حضور دانشان انقلاب و با شرکت فاطمه مردم در مسجد تشکیل می‌شود. اما به جهت خائندگی دانشان از عوامل تحریک نتیجه چندانی عاید نمی‌گردد. فقط تحت فشار دانش‌آموزان و فرهنگیان، دبیر بازداشت شده فدای آن روز (۱۱/۱۶) آزاد می‌شود. اما بعثت خود تحریکی که مرتجعین به وجود آورده بودند، مطمئن روستا تا چند روز خراب نی کردند به روستاهای خود بروند. در بخشی از اعلام "گروهی از طلمن سلماس تظاهرات" که بدست ما رسیده می‌خوانیم "... ما طلمن نیابند برای اعتراض به اینهنه ستم و ناامنی از روز شنبه ۱۱/۱۶/۵۸ از رفتن به محل کار خودداری می‌کنیم و در کارگاه آموزش و پرورش سلماس تظاهرات خواهیم کرد. درجهت پیشبرد نهادهای اصل اسلامی اعلام نمایند."

جامعه فرهنگیان شهرستان نیابند" در شکایتی بعنوان دانشانی کل انقلاب اسلامی ایران نیز ضمن تشریح ماجرا و محکوم کردن آن تقاضای رسیدگی و اقدام کرده‌اند.

همچنین طوماری با دهها امضا بدست ما رسیده که همین مضمون را دارد.

تا می‌دکندگان مرکز نشین این جریان

مردم نیابند هتباری و بداری خود را در مورد کیفیت تحریک و توطئه و اعلام و حامیان آن با ترتیب یک راهبیمانی که در روز شنبه ۲۰ بهمن با شرکت هزاران نفر برگزار شد نشان دادند و در قطعنامه‌ای که در پایان راهبیمانی قرائت شد بر این نکات تأکید کردند: تضمین احترام و حریم مدارس و مراکز آموزشی و محکوم کردن حلات، تضییع آزادی کثرت و سبب شدن، تضمین امنیت دانش

بش‌بشانی وسیع از تحصن خانواده‌های شهدا

گروهی از مسلمین سلماس اهواز گروهی از کارگران سلماس شرکت ساختمانی سینوس. جمعی از کارکنان سلماس شیمیایی زاری. جمعی از کارکنان سلماس جمعی از کارکنان سلماس بالايشگاه گاز مابع ماهنهر. گروهی از کارکنان سلماس صنعت نفت اهواز. گروهی از کارکنان سلماس کارخانه لوله‌سازی اهواز. گروهی از کارکنان سلماس سازمان آب و برق خوزستان. گروهی از کارکنان سلماس صنایع فولاد و ترکیب‌ها، مانا، ماشین‌سازی و فنی برورزی. جمعی از صنعتگران سلماس کوی انقلاب (کملو) اهواز. گروهی از هیئت علمی سلماس دانشگاه خدی‌شاهور. جمعی از استادان دانشکده کشاورزی حیضنژاد. جمعی از کارمندان موسسه استانداردها. جمعی از کارکنان سلماس نیروگاه راسین اهواز. جمعی از پزشکان سلماس سروراز جمعی از معلم سلماس اردبیل انجمن بزگان، داروسازان، دندانپزشکان سلماس مشهد. جمعی از کارکنان سلماس صنایع شیمیایی سربولیس شیراز. جمعی از کربهای مختلف و انجمنهای جوانان سلماس از شره‌های مختلف سپهبدان یا بش‌بشانی از تحصن خانواده‌های شهدا یادآور شده‌اند که در صورت تکرار اینگونه حلات مرتجعانه دست به دفاع و عکس‌العمل خواهند زد.

● **حلقه مردم بدور "حنیف و طالقانی"**

چاق‌قادران پس از آن کتاب آموزشی‌های "حنیف و طالقانی" را که محل فروش کتاب و نشریات سازمان مجاهدین است، مورد التفات "قزاق" می‌دانند. اما در ناخودآگاه چاق‌قادران از میان آنها عده کثیری از گروه‌ها و مادران بوده‌اند با گروه‌ها و مادران و ستم‌زجر از کثرت خود حمایت می‌کنند. البته شسته‌های مغازه خرد شده و حتی به ساختن کمربندی فوق آسمان با ضربات سنگ و چاق‌آب رسیده‌اند اما حمایت مردم مانع از آن شده که لایه‌های بر سر کثرت "حنیف و طالقانی" می‌تواند بر سر "حنیف و طالقانی" بماند. در جریان این حمله مردم دو نفر از مهاجمین را دستگیر می‌کنند و تحویل کمیته می‌دهند. ولی‌السنه که کشته آنها را رها می‌کند، چون چاق‌قادران به دست خودشان را می‌برد!

مردم همچنان دور "حنیف و طالقانی" حلقه زدند و در بنوق کسب‌خانه که می‌گفتند شای متفرق نبودند خودم‌ها را از اینجا حفاظت می‌کنند. اعتماد نکردند. تا آخر سر کمیته تک‌تصمیم کتبی ۲۸ ساعته سستی بر تمام حفاظت مراکز مزبور به مردم سپارند، و چند یادگار نگهانی آنها را بعداً می‌گیرند تا مردم راضی شده و متفرق می‌شوند. متوجیه قزاقی‌ها که هشتاد نفر مسلح جمع شوند و از مقامات مسئول هم بخواهند تا در آنجا حاضر شده و به شکایتان رسیدگی نمایند. و سبب شاخته شدن واقع دو روز اخیر را کفر دهند. جلسه آتش با حضور دانشان انقلاب و با شرکت فاطمه مردم در مسجد تشکیل می‌شود. اما به جهت خائندگی دانشان از عوامل تحریک نتیجه چندانی عاید نمی‌گردد. فقط تحت فشار دانش‌آموزان و فرهنگیان، دبیر بازداشت شده فدای آن روز (۱۱/۱۶) آزاد می‌شود. اما بعثت خود تحریکی که مرتجعین به وجود آورده بودند، مطمئن روستا تا چند روز خراب نی کردند به روستاهای خود بروند. در بخشی از اعلام "گروهی از طلمن سلماس تظاهرات" که بدست ما رسیده می‌خوانیم "... ما طلمن نیابند برای اعتراض به اینهنه ستم و ناامنی از روز شنبه ۱۱/۱۶/۵۸ از رفتن به محل کار خودداری می‌کنیم و در کارگاه آموزش و پرورش سلماس تظاهرات خواهیم کرد. درجهت پیشبرد نهادهای اصل اسلامی اعلام نمایند."

جامعه فرهنگیان شهرستان نیابند" در شکایتی بعنوان دانشانی کل انقلاب اسلامی ایران نیز ضمن تشریح ماجرا و محکوم کردن آن تقاضای رسیدگی و اقدام کرده‌اند.

همچنین طوماری با دهها امضا بدست ما رسیده که همین مضمون را دارد.

جوانان سلماس تنها کلاه، ظاهرآباد، نازآباد- جمعی از جوانان سلماس شان حمله جمعی از جوانان سلماس باغ‌آلاه - گنجکبر جوانان سلماس اسپهکلا - جمعی از مادران سلماس اهوازکلا- کانون توحیدی اهوازکلا- جمعی از جوانان سلماس امیرکلا- جوانان سلماس روستاهای بابل- جوانان سلماس کوی بهروزغلامی- جوانان سلماس نواز- گروهی از دانش‌آموزان سلماس دبیرستان نوحه - اهواز- گروهی از دانش‌آموزان سلماس دبیرستان شهبند - اهواز- گروهی از دانش‌آموزان سلماس دبیرستان دکتر شریعتی اهواز انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستان نظام وفا- گروهی از دانش‌آموزان سلماس دبیرستان آریا، بروس اعصابی، پیش‌داشگاهی - انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستان دکتر حسن فاطمی اهواز- انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستان متحدین اهواز- انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستان دخترانه خارامروز- انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستان هدف انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستان کوی - گروهی از هنرجویان سلماس کوی - هنرستان صنعتی - انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستان آدیوش لاهجان هنرجویان سلماسی-مدحسن لاهجان - گروهی از دانش‌آموزان سلماس اوربچان رشت - انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستان کوه اردبیل- گروهی از دانش‌آموزان سلماس دبیرستان جهان علوم اردبیل

ابراز از جزار نیروهای اجتماعی از اعمال و حسیانه عناصر مرتجع و فالانزیست

آبادان - گروهی از جوانان سلماس کوی امامیه، اهواز- گروهی از جوانان سلماس کوی زینون کاربندی، اهواز- گروهی از جوانان سلماس منقعه خشار- اهواز- گروهی از جوانان سلماس کوی آسپادان، جمعی از جوانان سلماس حله بویلی - جمعی از جوانان سلماس سرکلاته خراسنبر- گروه تشیع علوی ایلادهم انجمن جوانان سلماس گرومطفقه کانون توحید - سرکلاته انجمن جوانان سلماس سورمه‌سازان هواداران مجاهدین خلق آستان اشریفه هواداران مجاهدین خلق، فوس گروهی از جوانان سلماس خیابان‌حاجم هواداران مجاهدین خلق فغمت جوانان سلماس کلاه - باسکف جمعی از جوانان سلماس گر بخوار اصقبار هواداران مجاهدین خلق کوی یازرگان جوانان متعهد سلماس مینادوب انجمن جوانان موجد مارک انجمن جوانان سلماس اردبیل - گروهی از جوانان سلماس کوی مجاهدین رشت هواداران مجاهدین خلق حله امین الضرب رشت - گروهی از جوانان سلماس خیابان تختی رشت - هواداران مجاهدین خلق بندرتزکین جمعی از جوانان سلماس سدجلال، بیدآباد و حکیم‌آباد بابل.

● **گروه‌ها و انجمنهای مختلف دانش‌آموزی نیز حمله مسلحانه به مرکز امداد مجاهدین خلق را محکوم کرده و تأکید کردند که اگر مقامات مسئول هم چنان با سکوت به وظیفه خود عمل نکنند، از این پس خودمان به دفاع از آرمانهای بروق مجاهدین برخوایم خواست:**

انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستانهای آمل-انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستانهای بابل - دانش‌آموزان سلماس دبیرستانهای ساری - انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستان سازمان مجاهدین به سیم خود تلاش میکند با ارائه لیستی از کاندیدهای انقلابی و ترقیخواه در تهران و سایر شهرتانشان حول برنامه ۱۲ ماده‌ای اعلام شده توسط برادر مجاهد مسعود رجوی حتی‌الامکان زمینه مناسب برای فعالیت‌های انتخابی فراهم سازد و امیدوار است که به این وسیله موفق شود مانند مرحله قبل در این مرحله نیز گامی در جهت شکل گیری جبهه ضد امپریالیستی به پیش بردارد و در این راه به باری تمام دانشجوین ضد امپریالیست و ضد ارتجاع چشم دوخته است.

● **گروه‌ها و انجمنهای مختلف دانش‌آموزی نیز حمله مسلحانه به مرکز امداد مجاهدین خلق را محکوم کرده و تأکید کردند که اگر مقامات مسئول هم چنان با سکوت به وظیفه خود عمل نکنند، از این پس خودمان به دفاع از آرمانهای بروق مجاهدین برخوایم خواست:**

انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستانهای آمل-انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستانهای بابل - دانش‌آموزان سلماس دبیرستانهای ساری - انجمن دانش‌آموزان سلماس دبیرستان سازمان مجاهدین به سیم خود تلاش میکند با ارائه لیستی از کاندیدهای انقلابی و ترقیخواه در تهران و سایر شهرتانشان حول برنامه ۱۲ ماده‌ای اعلام شده توسط برادر مجاهد مسعود رجوی حتی‌الامکان زمینه مناسب برای فعالیت‌های انتخابی فراهم سازد و امیدوار است که به این وسیله موفق شود مانند مرحله قبل در این مرحله نیز گامی در جهت شکل گیری جبهه ضد امپریالیستی به پیش بردارد و در این راه به باری تمام دانشجوین ضد امپریالیست و ضد ارتجاع چشم دوخته است.

دانشگاه و انقلاب

صف بندی نیروها پس از انتخابات ریاست جمهوری...

بایگه برای پیشبرد اهداف ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی استفاده کنیم. به این منظور در این مرحله باید، اولاً: از اصل کردن منافع خاص گروهی بهره‌بریم و بمصلحت جنشین در کل آن توجه کنیم. ثانیاً: بدون مسامحه فوالانه به میان دوهمه برویم و آنها را در مورد شناختن کاندیدهای ضد امپریالیست و رای دادن بآن راهنمایی کنیم.

سازمان مجاهدین به سیم خود تلاش میکند با ارائه لیستی از کاندیدهای انقلابی و ترقیخواه در تهران و سایر شهرتانشان حول برنامه ۱۲ ماده‌ای اعلام شده توسط برادر مجاهد مسعود رجوی حتی‌الامکان زمینه مناسب برای فعالیت‌های انتخابی فراهم سازد و امیدوار است که به این وسیله موفق شود مانند مرحله قبل در این مرحله نیز گامی در جهت شکل گیری جبهه ضد امپریالیستی به پیش بردارد و در این راه به باری تمام دانشجوین ضد امپریالیست و ضد ارتجاع چشم دوخته است.

بغیة اضعف‌هاون

بغیة اضعف‌هاون چنانکه گفتیم این تحریکات و حمله‌ها و هجوم‌ها به "جانی" بند است و صراحتاً چاق‌قادران و ولگرد نیست. ناگهی به روزنامه پنجشنبه ۱۸ بهمن جمهوری اسلامی و کارتی که از این ماجرا دارد، مقصود ما را روشن می‌کند.



حلقه چاق‌قادران از ارتجاع به موسسات مردمی

مردم نیابند هتباری و بداری خود را در مورد کیفیت تحریک و توطئه و اعلام و حامیان آن با ترتیب یک راهبیمانی که در روز شنبه ۲۰ بهمن با شرکت هزاران نفر برگزار شد نشان دادند و در قطعنامه‌ای که در پایان راهبیمانی قرائت شد بر این نکات تأکید کردند: تضمین احترام و حریم مدارس و مراکز آموزشی و محکوم کردن حلات، تضییع آزادی کثرت و سبب شدن، تضمین امنیت دانش

انضباط انقلابی میلیشیا "آئین نامه انضباطی" ارتجاع را به هم می ریزد.

رژیم‌های ضد مردمی و سیستم‌های ارتجاعی و مزدوران امپریالیسم، برای تأمین منافع ضد خلقی و تداوم حاکمیت خود بر توپها همواره از شیوه‌های اختناق و فشار استفاده کرده‌اند.

یکی از مبرم‌ترین مسائلی که پس از هر انقلاب پیش روی مردم آن جامعه قرار دارد، تغییر مناسبات و روابطی است که سیستم‌های ضد خلقی در ارگانها و نهادهای اجتناباً برقرار کرده‌اند. مناسباتی که بر پایه عدم آگاهی توپها شکل می‌گیرد. بنابراین طرق گوناگون سعی می‌کنند که بیشتر مناسبات ضد خلقی خود را مستحکم کنند، ولی از آنجا که هیچ آرمان و هدف مردمی و انقلابی را دنبال نمی‌کنند، قادر نیستند که مردم و بالخصوص عناصر آگاه را به حمایت و پشتیبانی خود برانگیخته و بسیج کنند. بنابراین با استفاده از روشهای گوناگون سعی می‌کنند که از آگاه شدن مردم جلوگیری نمایند تا با نگهداشتن مردم در جهل و ناآگاهی هرچه بیشتر، اهداف ضد خلقی خود را دنبال کنند.

سرمایه‌های انقلاب

بدون شک باز اصلی انقلاب بر دوش بی‌گترین و بالنده‌ترین نیروها و بالخصوص نیروهای جوان حمل می‌شود. در حقیقت جوانان پرشور انقلابی هر سرزمین، سرمایه و اعتبار انقلابند.

در مین خودمان چه در روزهای پرشور زمان قیام و چه پس از آن، این نقش و اعتبار را به خوبی احساس می‌کنیم. از سوی دیگر دشمنان انقلاب و خلق بر مبنای غریزه ضد خلقی شان خوبی این واقعیت را درک کرده‌اند و درست بر همین مبنای سرمایه‌سازی برای خود، برای جدا کردن انقلاب از پیشاتازان اختصاصی می‌دهند و منتهای تلاششان اینست که نیروهای جوان را از انقلاب دور و به آنزوا کشند و بی‌اراده و حتی به انحراف بکشانند.

شیوه‌های آریامهری برای به انحراف کشاندن نیروهای جوان رزمنده و بطور کلی جوانان، در این سال‌ها بهترین نمونه و معیار محسوب می‌شود. می‌بینیم که آریامهر در آغاز سال تحصیلی ۵۷ وقتی پیام سال تحصیلی را می‌دهد، می‌گوید: " ده میلیون دانش‌آموز این مملکت پشتوانه تمدن بزرگ هستند"، اما این یک خیال خام بود. آرزوی انقلابیون گفتند: " ده میلیون دانش‌آموز سرمایه‌های انقلاب و نابود کننده تمدن زبیر آریامهری و ضد خلقی و سازندگان جامعه‌ی نو و انقلابی هستند".

این یک واقعیت انکارناپذیر است، هرچند که مجاهد شهید "سعید محسن" در دفاعیات کوبنده‌اش در بیدارگاه شاه گفت:

" ما مایم که قیام کردیم تا شاه را از سرانگاران از سر ملت کم کنیم و مطمئنیم که اگر ما نتوانیم به چنین هدف مقدسی دست یابیم، برادران کوچکتر ما چنین خواهند کرد."

واقعیتی روشن و پرشور که پیشاتازان خلق برادران کوچکترشان و بطور خاص دانش‌آموزان انقلابی را حمایت و پشتیبانی می‌کنند. واقعیتی که خروشنده‌گان جوان و رهروان "حنیف" و "مهدی رضائی" در جریان قیام در شورانگیزترین شکل آن یعنی شهادت به نمایش گذاردند.

جوانان پرشور و آزاده‌ای که با الهام از رهنمودهای انقلابی انقلابیون و بی‌گیری و ادامه راه حساسه آفرینان بخون خفته سیزده آبان، امید فردی این مین برای تحقق خواسته‌ها و آرمانهای خلق ستم‌خیزه هستند، و چه نوعی این قیام در حتمه‌های گوناگون نبرد، این توانایی را نشان دادند. در جریان مبارزه ضد امپریالیستی، در پیکار با ارتجاع و سازشکاران هم‌جا در کنار نیروهای انقلابی خروشان و توفندگانه حضور فعال داشتند و به جمع تظاهر کنندگان و با راهبیبان و... شوری دیگر می‌بخشیدند و روحی تازه در جمع می‌دیدند، هرچند که این پیشاتازان جوان پا می‌گذاشتند، روحیه رزمندگی و شورش و شوق مبارزاتی بالا می‌گرفت و این خود بهترین دلیل: برورش انقلاب است. آنچه از آن نیروهای تازه‌نفس و جوانی است که از همه قیودات رها شده و به هیچ پیوند و رابطی ارتجاعی و سازشکارانه تن نخواهند داد.

و بدین سان بود که در گرما گرم مبارزه انتخاباتی کاندیدای نسل انقلاب یعنی کاندیدی خروشان، در واحدهای منظم و سازمان یافته میلیشیا نبرد بزرگ و آزاده خلق را در میدان نبرد، در مقابل جنگ افروزان تبلیغاتی و امکانات گسترده ارتجاع به نمایش گذاشتند.

ارتجاع از آنجا که رو به نابودی است و جز عده‌ای فسیل شده سرمایه دیگری ندارد، برای حفظ حیات اجتماعی فقط می‌تواند بر جهل و ناآگاهی افشاری ناآگاه متکی شود. لذا به طرق مختلف می‌خواهد این نیروهای جوان و انقلابی، این حیثیت و سرمایه‌های انقلاب خلق را محدود کرده، مهار نماید و حتی آنها را به انحراف بکشاند. و برای این منظور از بکارگرفتن هیچ روش ناجوانمردانه‌ای با ندارد.

دیدیم که چگونه در زمان شاه خائن فعالیت دامنه‌داری برای جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش‌آموزان در مدارس در جریان بود، هیچکس حق کتاب خواندن نداشت. دانش‌آموزان از هرگونه فعالیت سیاسی - اجتماعی محروم بودند و تمام وقت آنها در کلاسهای بی‌محتوای آریامهری تلف میشد و پا به تفریحات مبتذل می‌گذشت.

بعد از سرنگ شدن نظام دیکتاتوری، از آنجا که یک انقلاب عمیق اقتصادی - اجتماعی صورت گرفته بود، بسیاری از ارگانها و نهادهای جامعه با همان مناسبات ضد انقلابی به کار خود ادامه دادند.

در بعضی از مدارس، دانش‌آموزان به جرم مجادله بودن برادر یا خواهرشان از مدرسه اخراج می‌شوند.

اختناق و فشار در مدارس

یکی از ارگانهای که شبیه همان شیوه‌های آریامهری اداره می‌شود، آموزش و پرورش است. ارگانیک که مسئولیت رشد و آگاهی جوانانی را بر عهده دارد که حافظ دستاوردهای انقلابند و رسالت تداوم آن را بدوش می‌کنند. از آغاز سال تحصیلی، دانش‌آموزانی که پس از طی یک مبارزه سخت در جریان قیام، پایگاهی بدست آورده بودند تا فعالیت سیاسی - ادولوپوزیک و انقلابی خود را استمرار و تداوم ببخشند، با اختناق شدیدی که در مدارس تحت عنوان ضوابط انضباطی برقرار شده بود، روبرو می‌شوند.

قبل از آغاز سال تحصیلی ۵۸، ارتجاع در تدارک ایجاد سیستمی است تا به منظور پلید خود دست یابد. سه ماه تعطیلی و ماههای بهار را به پرستوهای انقلاب باختصاصت - پرستوها در هرکجا خارج از مدرسه، هرآنچه که از فشار و حاکمیت مدیسران ارتجاعی مدرسه و نظام ارتجاعی حاکم بر مدرسه خارج است، یعنی در هر خیابان و کوچه و مرکزی سنگر گرفته‌اند و این در حالی است که ارتجاع می‌خواهد آنها را کوچ بدهد، فشار و اختناق در مدارس افزایش می‌یابد.

این بار عناصر ارتجاعی و سرپرندگان ساواک در کمین دانش‌آموزان انقلابی نشستند. آئین‌نامه‌های انضباطی برای محدود کردن فعالیت مبارزاتی دانش‌آموزان رزمنده تدوین و به‌شخصه می‌شود.

دانش‌آموزانی که سابقه مبارزه در دوران شاه را دارند و در این شرایط به

حساب اینکه انقلاب شهادت، در مدرسه فعالیت می‌کنند و از طرف مسئولین ارتجاعی مدارس و عناصر ناآگاه دانش‌آموز شناسائی و اخراج می‌شوند. دانش‌آموزانی که به لحاظ خانوادگی نسبتی با مجاهدین خلق دارند، تحت فشار قرار می‌گیرند و اخراج می‌شوند، چویشان اینست که مثلا برادرشان مجاهد است. از ارتجاع اختناق جز این نیست.

در مقابل سازمان یافتگی واحدهای انقلابی میلیشیا، ارتجاع دست به تهاجم می‌زند. میلیشیاها را برای انجام ورزش در جهت بالابردن آمادگی و روحیه نظامی‌شان صبح زود، نیم ساعت قبل از زنگ کلاس در مدرسه جمع می‌شوند. ولی ابادی ارتجاعی که از تشکیل ارتش خلق و رشد و ارتقاء نیروهای انقلابی وحشت دارند، مانع این کار می‌شوند. زنگ مدرسه نیم ساعت زودتر زده می‌شود و اجازه اجتماع در حیاط مدرسه را نمی‌دهند و بچه‌ها مجبور هستند که نیم‌ساعت قبل از آمدن معلم سر کلاس بنشینند.

ضوابط و آئین‌نامه‌های انضباطی برای تحقق اینگونه اهداف ضد خلقی و ضد انقلابی و ارتجاعی، طراحی و تدوین می‌شود. برای پیاده کردن و تحمل این ضوابط از بی‌شرمانترین شیوه‌ها حتی با استفاده از عامل سرکوب توسط فالانژها، چاقوکنها و اوباش و ارادال سود می‌جویند.

چهره ضوابط انضباطی و آئین‌نامه‌های ارتجاعی همان منطق آریامهر است که سر سپردگان ساواک برای جامعه خود می‌نشانند آن‌ها را می‌بینند. هیچکس حق فعالیت سیاسی در مدارس را ندارد، مدرسه فقط جای مشق و دیکته است. کتابهای درسی تغییرات بنیادی نگردانند. بسیاری از کتابها هنوز عکس شاه منظور در فراموشی خود دارد. این‌ها در کنار آن ضوابط انضباطی کابین بار به نام انقلاب و اسلام می‌خواهند پیاده کنند، مفهوم خاصی دارد. اگر در کنار اینها به شخصیت طراح ضوابط انضباطی و سابقه‌های اصلاح انقلابی وی توجه کنیم همه حقایق براین روشن می‌شود.

ضوابط انضباطی جدید آجا مبارزه

بایستی این واقعیت تلخ را بازگو کرد و همه جا به تشریح آن نشست که گردانندگان امور و کسانی که بنحوی دست‌اندرکار امور مملکتی هستند، بجز معدودی از آنها اغلب با فرنگ رفتنهای هستند که در دوران تاریک و سیاه آریامهری که مبارزه قوه‌القدس سخت و مشکل بود و تنها نیروهای جان پرک و پاک باخته به مبارزه بر می‌خواستند، این حضرات در خارج از کشور مبارزه می‌کردند و اکنون به میوه‌چینی انقلاب مشغولند؟ و با کسانی هستند که از سابق درخشان مبارزاتی‌شان رنج می‌برند! چرا؟ واقعا چرا؟ مگر چندینک و مبارزه کردن با رژیم آریامهری و سیستم سرکوبگر ساواک نیاستی مایه خوشبختی و افتخارند پس چرا این قاتی که خود زندان بود همه‌جا را بگذرانند مبارزه‌چهاروشیتند؟ قضیه کاملا روشن است، هرکس می‌تواند مدت زمانی انقلابی باشد و خود را مبارز جان بزند، ولی انقلابی اصل و واقعی کسی است که تا پایان عمر انقلابی زندگی خود را وقف انقلاب ببرد. و این حضرات با اصطلاح انقلابی با به نوشتن نامه عفو و تقاضای انقضای آن بپنگاه مولانکه اقدام کرده‌اند و با در مراسم سیاه آریامهری شرکت جسته‌اند.

و این آخری که در بار سیستم آموزشی و پرورش قرار دارد، بی‌لغرم تحمل فشارهای اولیه، در حضور سایر زندانیان و خویشان ساده دست راست خود را به نشانه قبول و پذیرش فرقه‌های جلد ساواک "صدی" بلند می‌کند و از گذشته خود اظهار ندامت می‌نماید.

کسی که از رژیم آریامهری اجازه می‌گیرد و زندگیش را در این رابطه تعیین می‌کند، آیا صلاحیت قرارگرفتن در این نظام آموزشی را دارد؟ می‌بینیم که چه خوب پیوند قبلیش را با دوستان سابق حفظ کرده و انبساط به تدوین آئین‌نامه انضباطی مدارس دست می‌زند. دستش را در مقابل خویشاوندان خود - انقلاب و خواهان اختناق بالا می‌کند و خود را از آماده انجام چنین رسالت ارتجاعی‌ای می‌نماید. "از کوزه همان برون تریه، خرد که در اوست".

بر این میناست که جناب وزیر می‌گوید هرکس می‌خواهد مبارزه کند دستش را بالا بکشد، تا بدینوسیله نیروهای رزمنده و انقلابی را از مدرسه بیرون کند.

انضباط انقلابی

اساسا هر نظم و انضباطی و هر ضابطی برای رسیدن به این هدف طرح و پیاده می‌شود که به بهترین و اصولی‌ترین شکل نیروها و انرژیهای فرد یا سازمان را در جهت تحقق اهداف و برنامه‌های معین مستعد کرده و بکارگیرد. بنابراین وقتی هدف روشن باشد، ضوابط و آئین‌نامه‌ها در جهت بهتر انجام‌دادن امور و سرعت بخشیدن به تحقق هدفها نقش موثر و ویژه‌ای خواهد داشت.

انضباط انقلابی تضمین کننده موفقیت در انجام مسئولیتهای انقلابی است. زیرا لازمه انضباط انقلابی در جوهر خود اعتقاد به آرمان و هدف انقلابی است. تفاوت دیسیپلین و نظم انقلابی با نظم ارتجاعی در همین جاست. آنجا که اعتقادی به آرمان و هدف نباشد، قزاق شکر درکام است. جبراً اطاعت کورگانه حاکم خواهد بود و انضباط ارتجاعی با پشتوانه زور، تشبیه، اخراج و کتک زدن و زندانی کردن در یک کلام با شدت عمل اجرا و پیاده می‌شود.

انضباط انقلابی در واحدهای میلیشیا

فعالیت انتخاباتی پیروزمند سازمان مجاهدین و میلیشیاها را تقابلیش این بقدره‌ی صدمه ز

بسمه تعالی

اداره کل آموزش و پرورش استان...
 شماره سند: ۳۷۷۲/۲۲
 تاریخ: ۵۸ زار ۵۸
 موضوع: ...
 امضا: ...
 مهر: ...

دردهای یک درجه دار نیروی هوائی

آنقدر فعالیت بچه‌ها گسترده شد که ضداطلاعاتیها دیگر فرصت جمع و جور کردن خودشان را هم ندانند.

بخت، بهترین نظر را یکی از بچه‌ها که با تجربه‌تر بود، داد و همه قبول کردند. قرار شد دو نفر برای خریدن ماشین به تهران بروند. برای رد کم کردن ساواک هر برنامه‌ای رسمیت، طرفدار این بود که یکی از بچه‌ها ماشین پدرش را به خرید یک اداره دولتی بود. در فرهنگ ماشینهای پلی کیبی مراجعه کند و وانمود کند که دستگاه را برای اداره می‌خرد. بعد از خریدن هم دستگاه را مستقیماً به منزل نفرستاد. اول آنرا به یک شهرستان کوچک فرستاد اگر دیدیم سطله‌ای بیش نیامد از آنجا به دزفول می‌فرستند. بچه‌ها به تهران آمدند و طبق برنامه ماشین را خریدند و کار را تمام کردند. چند هفته بعد ماشین پلی کیبی به دزفول رسید و خیال ما راحت شد.

بیشتر آنها را به بنیم. به عناوین مختلف بعد از جلسه قرائت قرآن به آنها سر می‌زد. در مورد مسائل مختلف صحبت می‌کردم. تا اینکه یک روز یکی از بچه‌ها پیشنهاد داد که ماشین کیبی بخریم. منم قبول کردم، خصوصاً اینکه فهمیده بودم که اولاً به تنهایی نمی‌توان کار و فعالیت کرد ثانیاً اینکه اگر بخواهیم کار کنیم اول باید بچه‌ها را روشن کنیم. خلاصه قرار شد سطله را با چندتا از بچه‌ها که حالا تا حدودی همدیگر را شناخته بودم قرار شد در میان بگیریم. بدین منظور قرار شد در خارج از پایگاه درخانتهای جمع شویم روز بعد سرعت همه آمده

(ادامه دارد)

در شماره‌های گذشته بخشهایی از دردهای یک درجه دار را نوشتم این هفته آخرین بخش آنرا می‌خوانید.

انتقال به دزفول

در تبریز تا حدودی مرا شناخته بودند و امکان فعالیت نداشتم و از طرفی احتیاج زیادی به پول داشتم. بنابراین مسائل تقاضای انتقال را در نظر اول کردم. تقاضای من بود که به دزفول رفته. از همان اول تصمیم بر این بود که شناخته‌مانم، تا بتوانم از حسرتیهای که در تبریز آموخته بودم حداکثر استفاده را ببرم. آموخته انقلاب تازه شروع شده بود. فرماندهان وضداطلاعاتیها هم تمام سعی و کوششان بر این بود که نگذارند این انقلاب در روحیه پرسنل تازی بگذارد. به همین دلیل، پرسنل کوچکترین حرکتی، خیلی بیشتر از گذشته عکس‌العمل‌نشان می‌دادند. مثل روبا بچه‌ها را کنترل می‌کردند روزی نبود که برای ترساندن ۵۰ نفر

جلسه قرائت قرآن

در جلسه قرآن پرسنل حق

چرا این انتقادات پاسخ می‌دهیم؟

نشریه کار، شماره ۴۴، به نقد برنامه و سیاست مجاهدین خلق پرداخته و بر اساس آن به نتایج سهمی نیز دست یافته است.
سبی تردید اگر سخن جنبش از نقد و انتقاد برنامه ۱۲ ماهه کانگدیدای ما برای انتخابات ریاست جمهوری میبود، شاید مطلب اساسا واجد هیچگونه ارزش جوابگوئی نبود. چرا که خواهیم دید، تا آنجا که به نقد خود برنامه مربوط میشود:

اولاً - سطح ایرادات آنچنان نازل است که تقریباً برای هیچ فرد معمولی که مختصر آشنائی با نظرات و برنامه‌های مجاهدین داشته باشد و لااقل یک بار هم اعلامیه‌ها و مواعظ و سخنرانیهای ما را مرور کرده باشد، هیچ چیز صمیمی که ناشی از پاسخگوئی باشد وجود ندارد.
ثانیاً - هرگز قابل باور نیست که ایراد گیرندگان، از پیش به بی‌بودن بودن انتقاداتی که کرده‌اند، آگاه نبوده و پاسخهای فایده‌کننده مجاهدین را در این رابطه ندانسته باشند.

مهمترین ایراداتی که فدائیان به برنامه مجاهدین گرفته‌اند

این نتیجه‌گیریها صرفنظر از استمالت کردن صوری و تشریفاتی از مجاهدین در پایان همان مقاله کار ۱۰ بهمن (البته استمالت بعد از جوب زدنهای معدیه) کلاً در دو محور خلاصه می‌شود:
الف - مجاهدین "خوشترین خط غشی به مزاج لیبرالها" را در پیش گرفته‌اند.
در این مورد در همان مقاله می‌خوانیم: "... مجاهدین امروز عمده" مبارزه خود را مبارزه با "ارتجاع" میدانند و می‌گویند در کار این مبارزه باید با لیبرالها هم مبارزه کرد و این از نظر ما خوشترین خط غشی به مزاج لیبرالهاست"

درباره انتقادات فدائیان خلق نشریه کار شماره ۱۰ / بهمن

کلاماً "محرز"، وحدت عمل نیروهای مترقی را عملاً دچار مشکل و حتی بن‌بست می‌آورد

بررسی ایرادات نشریه کار شماره ۱۰ / بهمن / ۵۸ به برنامه ۱۲ ماهه ای مجاهدین خلق در انتخابات ریاست جمهوری

۱- در برنامه "مجاهدین خلق از ملی کردن تمام سرزمینهای وابسته صحبت می‌شود و نه از مصداق "انقلابی آنها ...". آیا منظور سازمان مجاهدین پرداخت غرامت است، اگر چنین باشد توده‌های ستکشی خلق آن را نخواهند پذیرفت (نقل از نشریه کار).
اگر نویسنده کار، مجاهدین را نمی‌شناخته و با از اعلامیه‌ها و نشریات و توضیحاتی سیاسی مجاهدین که بطور مرتب در مطبوعات کثیرالانتشار نیز منعکس می‌شود) بی‌خبر بودند ممکن بود این ایراد را بحساب "سوءفاهم یا بی‌اطلاعی نگذاردیم. اینجنگ طبیعی است که از یک نیروی انقلابی انتظار برود که بجای تکتیک و ترفیع کلمات، همتانگه در آغاز مقاله (منتها در برابر یک نیروی دیگر) صریح شده "سوابق و خط مشی کلی" مجاهدین در مورد ملی کردن را در نظر گیرد. و در میان نقطه است که ما امرجه به مجاهدین در مورد ملی شد که در ساله ملی کردن جز مصداق انقلابی مد نظر نیست.

این کدام نیرو بود که بلافاصله بعد از انتشار لایحه "جاسوسی افشاکری تمام عرب" ، لنتو کلبه فرزندادری و مصداق کلبه سرزمینها را نسیال‌سازی نامی حرکت قرار داد و تا به آخر بر آن پای نهد و این شعارها را در ابداً ملتونی تا اعتناق توده مردم پیش برد. آیا ممکن است که نویسنده کار حق حتی از ملتونی بوستر و اعلامیه و پلاکاردی را که در همین رابطه فقط مجاهدین در تهران پیش کردند را ندیده باشد؟ آیا ممکن است آنها هیچک از اعلامیه‌های مربوطه را که در دیقفا با تکیه بر مصداق‌ها هر روز و با ریز و ریز در میان از جانب ما صادر میشد ملاحظه نکرده باشند؟ وانگهی همه آنها که مختصری هم با حقوق بین‌الملل آشنائی دارند میدانند که در مرادات بین‌المللی کلمه ملی کردن به هیچوجه الزام به معنی پرداخت غرامت نیست. نمونه‌ها در این مورد بسیارند. منجمله اخیراً دولت فن جنوبی تاسیسات شرکت نفت کالکتش عدن را در نظر گرفت و نامی فعالیتها، مایلمک ، مخازن و ساختمانهای اداری آن را تحت کنترل آورد و بعداً هم معلوم شد که قصد پرداخت غرامت ندارد. بریتیش پترولیوم عدن نیز قبلاً ملی شده بود.

در حقیقت بیش فر صها نه ایرادات مورد بحث ر همینون

تازه در بند اول رسوس برنامه "حد اقل خود فدائیان خلق نیز که تنها یک هفته قبل از انتقاد به ما (مجاهدین) در شماره ۳/ بهمن نشریه کار مندرج است چنین می‌خوانیم که "سرزمینهای وابسته ... (باصت) فوراً مصداق و ملی اعلام شوند".

آیا کسانی که تنها یک هفته بعد از ما می‌پرسند که آیا با کلمه ملی کردن قصد پرداخت غرامت داریم (که به هیچوجه نداشته‌ایم) خود تا هفته قبل قصد پرداخت غرامت داشته‌اند؟ مگر اینکه گفته شود کلمه "ملی" در توضیح بهتر کلمه "مصداق" است و در اینصورت هیچ ایرادی به برنامه مجاهدین در این رابطه نمی‌تواند وارد باشد.

در غیر اینصورت لایحه باستی بن جنوبی را هم که کلمه ملی کردن را در اینصورت مرجع شده است متهم به سازش با لیبرالها کرد؟

لیبرالها و اربابان نشان دشمن خود را خوب شناخته‌اند

ما علمای غیرمذکبه ایکنونه موکاشبه‌ایاد تاکید کنیم: کسانیکه این برنامه و مشخصاً قسمت "ملی کردن" آن موجود پستان را تهدید می‌کند (همان لیبرالها) و هم‌ا با اربابانشان در این سون و سون و راهها (امپریالیستها) مفهوم انقلابی و ضد لیبرالیستی این برنامه را خیلی خوب تشخیص داده و واکنش مناسب خود را هم نشان داده‌اند. توضیح اینکه در تمام دوره کانگدیدای نازد ریاست جمهوری ما و قبل از آن (باصت) اکثریت قریب به اتفاق مطبوعات و رادیو تلویزیونیهای آمریکا و اروپا و از با بایکوت کردند. همانهایی که کوچکترین اخبار ایران را با بوق و کرا بصرعت در همه جهان پخش میکنند از میان تمام نازدهای شرشاس، فقط او را تحریم نکرده‌اند. حال آنکه جا داشت که با آنچه حمایتها که در پشت سر داشت افلا چند کلمه‌ای می‌نوشته‌اند. لیکن تا آنجا که ما تحقیق کردیم این فقط روزنامه لیبرالیسیون پاریس بود که خبر کانگدیدای را پخش می‌کند و با همتانگه نوشته بود. بعدهم که از بعضی از اسول کریم که چرا سکوت نموده‌ایم گفتند ببخشید می‌توانستیم ا آخرین نکته‌ای که در اینجا وجود دارد اینست که بغرض عملی ما، آیا نویسنده مقاله کار می‌توانستند قبل از وارد کردن این ایراد، صحبت و تم آن را تحقیق کنند؟

۲- مجاهدین در زمینه "حقوق و آزادیهای دموکراتیک در حقیقت به سرمایه‌داران لیبرال و طبقه سرمایه‌دار ایران امتیاز میدهند. مجاهدین خواهان تضمین آزادی احزاب و کلیه سازمانهای سیاسی و صنفی یا هر عقیده و مرام هستند، در حالی که تنها تضمین آزادی احزاب و کلیه سازمانهای صنفی و ملی و مترقی به سود مردم است. احزاب سیاسی وابسته به سرمایه‌داران و امپریالیسم و شبکه‌های جاسوسی باید در کمال فاقمیت برچیده و سرکوب شوند.
توجه مجاهدین خلق در برنامه خود ضرورت سرکوب و برچیدن احزاب وابسته به طبقه سرمایه‌دار را ذکر نکرده‌اند. عملاً و بطور آنگار جنبش فدائیان از یک دموکراسی مردمی به دفاع از لیبرالیسم که خواهان آزادی همه احزاب است تن داده‌اند..." (نقل از نشریه کار)

آیا تکید مجاهدین بر ضرورت آزادیها به مفهوم دفاع از لیبرالیسم است؟

براشتی که وقتی سرمایه‌داران انتقاد با نتیجه‌گیریهای عجولانه درهم میریزد جز ایراز تأیید ج می‌تواند کرد؟ بازهم بجای "سوابق و عمل" یک تعبیر بسیار سطحی و کلیتاً بی‌گناخت و آتمش با تفسیری کلاماً مکتوس و به گونه‌ای که گویا اثبات شیئی ثابت را عمداً راه می‌کند آیا هم بیشتر به یک استدلال شبیه است یا سلسله؟
البته در همین حین روشن میشود که کدام طرز برخوردها و نحوه و طغی‌ت‌ها حکومت عمل ترقیخواهانرا با بی‌بست مواجه میکند.
واقفاً که مجاهدین "چشاکان ۱۱" از لیبرالیسم دفاع کرده و به آن تن داده‌اند، گرچه بنظر نرسد که نیازی به سخن گفتن پیرامون این نحوه

استدلال باشد لیکن برای آنکه هیچ چیزی مبهم نمانده باشد ناگزیر توضیح میدهم که:
وقتی تاکنون ضمن ۱۵ سال گذشته هزاران بار در هر کجا بر ضرورت قطع همه‌جانبه کلیه روابط نفوذهای امپریالیستی پای نهد و ضمن برنامه حداقل خود را در همان آغاز انقلاب "دیقفاً ملایم با نغی همه‌جانبه‌انتر سیاسی اقتصادی و نظامی و فرهنگی امپریالیسم جهانی به سردمداری آمریکا" (نقل از برنامه حداقل مجاهدین مورخ ۲۷ / اسفند ۵۷) دانستیم، وقتی که در برنامه برنامه ۱۲ ماهه ای و چه در متن آن بر تاسین وحدت ضد امپریالیستی، برشکستی همه" نفوذه و فرزندادری با پاکبهای سازشکار (لیبرال) و ارتجاعی تا آن حد که ایران را گورستان دیگری برای امپریالیسم تبدیل نمائیم، با فشاری مکتوب، دیگر کدام آدم ساده‌ای هم باور میکند که با احزاب سیاسی وابسته به سرمایه‌داری و امپریالیسم و شبکه‌های جاسوسی مساوات خواهیم نمود؟

کدامیک از دعوی متخاصمان و امپریالیست‌هاست؟

و آیا جز این است که اگر این نوشته کار که اگر این نوشته کار که در هر ساله‌ای مواجه شویم همه چیز و منجمله خود کشورنگه و برنامه خود اقل فدائیان مندرج در شماره ۳/ بهمن / ۵۸ زیر علامت سولهای بزرگتری قرار بگیرد؟
به بند "د" و "و" از ماده ۵ برنامه مزبور توجه کنید:
"آزادی قلم و بیان و عقیده و مذهب برای تمام مردم تأمین گردد"
"آزادی فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی، بازرگانی و دیگر سازمانهای صنفی تعیین شود"
بسیار خوب آیا نمی‌توان نویسنده کار را که تنها یک هفته بعد از انتشار در مورد مجاهدین تزیین می‌شود متهم کرد که پس عملاً آزادی قلم‌ها و بیانها و صنعتیها ... و ... اتحادیه‌های وابسته به امپریالیسم را هم مجاز میدارد؟
اگر کسی بخواهد از این قبیل اتهامات ردیف کند نمونه‌های یکی و دوتای دلتا نیست. برای مثال به نمونه زیر که مربوط به خود فدائیان است توجه کنید:
نشریه کار شماره ۲۹ مرداد صفحه ۳

"... مردم ما پس از سالهای طولانی تحمل اختناق و دیکتاتوری که قلم‌ها را بستند و آزادی اندیشه را به بند کشیدند، پیش از هر چیز به آزادی بخاطر رشد آگاهی و تنگدل نماندند. آنها باید آزاد باشند و در جریان برخورد آموختاری اندیشه‌ها، با تشخیص آگاهانه منافع خودش، با داشتن واهی خود را بشناسند. هرگونه تحمل عقیده و انحصارطلبی چیزی جز آداب شیوه‌های منحن و پوسیده گذشته نخواهد بود..."

براشتی که همدست است طرف کمتر از ۶ ماه آزادی که روزگاری بیش از هر چیز به آن احساس نیاز میشد آنچنان خوار و بی‌مقدار گردید که "بویزه" بعد از سخنرانی سمود رسوی در دانشگاه راجع به آزادی، فلسفه انقلاب، این چنین اسباب بن‌بست و وحدت عمل ترقیخواهانه شده است؟
نمونه دیگر:
"بهبانه سازمان جریکهای فدائی خلق ایران مورخ ۸ / آذر / ۵۸ (تنها ۲ ماه پیش) در انتقاد از قانون اساسی مصوب خیرگان بند "د" (بویزه) بعد از ز - ز قانون اساسی حق آزادی بیان ، قلم و اندیشه، حق تشکیل اجتماعات، جمعیتها و احزاب و نیز آزادی فعالیتهای سیاسی را نقض کرده یا به بند کشیده است."

حال اگر خیرگان به شما بگویند (که این روزها نظایر آن را در روزنامه‌های ویژه‌شان می‌گویند) که با این طرز بیان "عملاً و بطور آشکار ... به دفاع از لیبرالیسم تن داده‌اید" چه خواهید گفت؟
جواب را از "کار" مورخ ۲۶ / شهریور ۵۸ چنین دریافت می‌کنیم:
"... هیات حاکمه مرتب مطبوعات آزاد را وابسته به اسرائیل معرفی میکند و با زرنگی حرفهای خود اینطور وانمود میکند که تعطیل مطبوعات آزاد بخاطر وابستگی آنها به صهیونیسم بین‌المللی بوده است (پس خودتان هم لافا حرفهای آزادیخواهانه مجاهدین را انتشار بدهید تا سرمایه‌داران تلقی نکنند)..."

ما می‌گوئیم این حرفها مال کسانی است که نتوانسته‌اند آزادی و دموکراسی برقرار شود. با بهانه‌ای این حکومت بر ناگامی توده‌ها استوار است. چنین حوصلتی چگونه میتواند مادانه سخن بگوید و بگذارد هرکس آزادانه حرفش را بزند... آنها می‌گویند "آزادی دادیم، سو" استفاده شد، پس گرفتیم..."

ارتجاع خود اعتراف میکند که به بهانه "سو" استفاده از آزادی خود آزادی را به بند کشیده است. قریبات که دشمنان مردم برای به بند کشیدن مردم زحمتکش به این حله‌ها متوسل میشوند تا ...
و اکنون درست در همین نقطه است که معلوم میشود چرا ما (مجاهدین) در برنامه ۱۲ ماهه‌ای عمداً بر آزادی کلیه احزاب پای نهدیم. معلوم میشود که از همین ادعاهای کاذب "سو" استفاده و توطئه" که تاکنون بکارت دیده‌ایم که بر اساس آنها دادستانهای انقلاب یا چه سولتی قلم میکنند و سکوت تعطیل میکنند، تکرار بودیم. عبارت دیگر ما امتیاز را برای نیروهای انقلابی خواستیم، لیکن متأسفانه نشریه کار آن را برای لیبرالها تشخیص میدهد. به تلگراف فوریا به مجلس خبرگان در آورتن نوشتن آن به تاریخ ۲۳ / آبان توجه کنید. برای اینکه نگذاریم که "توطئه" "سو" استفاده شد و هر آزادی و آزادی را که مخالف حکومت کنندگان باشد بنام توطئه‌گری تخفیف کنند (کا اینکه تاکنون بسیار کردند) درخواست کرده‌ایم:

"ما ۶ - تضمین آزادی همه احزاب و گروهها تا مرز قیام مسلحانه که تنها معنی واقعی کلمه "چند پهلوی توطئه" است"

تاکنون کسانی در معرض حقیقتان و محدودیت بوده‌اند؟

حال اگر کسی نخواهد مواد یک برنامه را مستقل از شرایط مکانی و زمانی و تهدیدات امنیتی کلمه‌ای بخورد، یعنی انقلابی بی خلق را محدود میکند مورد بررسی قرار دهد و اگر نخواهد فقط در یک ذهنیت محض به دوری برنامه ۱۲ ماهه‌ای مجاهدین بپردازد، بی‌تردید تاکید ما بر آزادی کامل احزاب و کلیه اجتماعات را با هر عقیده و هر مرام را به غلط تفسیر نخواهد کرد. بخصوص که اگر این فرد قدری هم به لحاظ عقاید سیاسی و اجتماعی خودخواه‌ایمان آنها توجه داشته باشد. هر کسی میداند که پیش از هر طریقی باید آزادی انتخاباتی و نیز خود نویسنده‌گان همان مقاله کار در معرض محدودیت بوده و نه لیبرالها.

هر کسی میداند که بسیاری نیروها در این کشور برآند تا هر آزادی واقعی را تحت پرچم کمونیستی به باد چماق بدهند...
آیا تردید دارید که راستگرایان ارتجاعی از این ماده "مربوط به آزادی، در برنامه مجاهدین هرچه را که باید می‌فینند و چوشترا هم به مجاهدین ... تند پس از درخ " که همانها که خود از جمله بهترین‌ترین‌ها و محققین بهترین‌ها هستند برخوردار شده‌اند از این ماده هستند، چه می‌کنند و می‌بینند و می‌توانند تفسیر میکنند و تازه جای پرس و جو و تحقیق دست خراب تزیین می‌کنند هم می‌زنند.
آیا جز این است که در شرایط کنونی افراد هر قید و بندی بر کلمه "آزادی عملاً و با تمام قوا پیش از هر چه به زبان نیروهای انقلابی از جانب دست اندرکاران ستول تفسیر نخواهد شد.

لیکن بدهیم اجازه بدهیم برای خاطر جمع شدن نویسنده‌گان کار از آزادیهای مورد نظر مجاهدین، این نکته بر این نکته که آنچه مورد انتقاد آنان قرار گرفته "تشریح مختصر برنامه" بوده و تحت همین عنوان نیز چاپ و نشر شده، آنان را به ماده ۵ برنامه حداقل مجاهدین مورخ ۲۷ / اسفند سال گذشته ارجاع دهیم که بلافاصله بعد از "تضمین آزادی کامل مطبوعات و احزاب و اجتماعات سیاسی که هر عقیده و مرام ... شرح میکند ... البته میان آزادی و دموکراسی انقلابی با لیبرالیسم و ولنگاری سرمایه‌داری رزمای شخصی وجود دارد که در هیچ نظام انقلابی نایده‌گرفته نیست...
و با سخنرانی سمود رسوی در مردادماه گذشته در دانشگاه تهران:
"... اشتباه شده وقتی ما از آزادی مطبوعات یا آزادی احزاب دفاع می‌کنیم، منظورمان تأیید هر روزنامه هر نقطه نظر و هر حزبی نیست، به هیچوجه اینطور باشد پس به آنچه می‌گوئیم متذکر نیستیم..."
حال اگر نویسنده‌گان کار که روز با شکاذه شد برخورد معقولانه آرا و عقاید را می‌پلیند و دیگر روز بر مجاهدین نیز ایکنونه سخت می‌گیرند، گناه ما مجاهدین که در تمام مدت خطوط واحد و بدون نوسانی را طی کرده‌ایم چیست؟
داده‌اند که در تمام مدت خطوط واحد و بدون نوسانی را طی کرده‌ایم چیست؟
داده‌اند که در تمام مدت خطوط واحد و بدون نوسانی را طی کرده‌ایم چیست؟
داده‌اند که در تمام مدت خطوط واحد و بدون نوسانی را طی کرده‌ایم چیست؟
داده‌اند که در تمام مدت خطوط واحد و بدون نوسانی را طی کرده‌ایم چیست؟

خود مختاری

اینگ ... ای برادر کُردم
 قلب مجاهدین
 پاسداران راستین مکتب توحید
 قلب تمامی زندگان راه حق
 بهر تو میتد
 و ... قلب پدر
 همیشه برای تو میتد
 فریادهای پدر
 در گوشه بیاست
 راه پدر - مجاهد اول
 ... شورا برادرم
 این راه خلفیات
 آئینه اراده خلق و خداست
 اسلام راستین از شور توده ها
 وحشت نمیکند
 اسلام راستین ، شمشیر توده ها ست
 خود مختاری ، این حق خلفیات
 * * * * *
 اینک برادرم
 دشمن به پیش روست
 پیوندهای ما
 پاینده همچو گوه ، گوینده همچو پنگ
 .. وحدت برادرم!
 دشمن به پیش روست
 * * * * *
 انجمن دانشجویان مسلمان
 دانشگاه صنعتی شریف
 ۵۸/۹/۲۴

... سالیهاست که میرزمد
 شکر به شبر
 سگر به سنگ ، خانه به خانه
 ... این خلق کُرد است
 که میرزمد
 در پشت صخره های بلند کوهسار
 در لابلای کوههای تنگ و بی عبور
 در دشت های سلاخ و ...
 در هر جا که هست
 ... این خلق کُرد است
 که میرزمد
 سالیهاست که میرزمد
 با کوله باری از ستمی مستمر به دوش
 با دستهای پینه بسته
 و با چشم پر ز خون
 در طول سالیها ، پیگیر و بی امان
 ... این خلق کُرد است
 که میرزمد
 در شبر و روستا ، در دشت و کوهسار
 هر جا که بنگری
 و پرابی است و فقر
 ... آنجا
 بیانگر ظلمی مضاعف است
 زحمتگان کُرد
 چون نبش زندگی ، دردشهای سرد
 در رخ و در تیش ...
 آنجا ...
 بیانگر ظلمی مضاعف است .
 آنجا ...
 تلور پیوند توده ها ست
 * * * * *
 رزم آوران کُرد
 چون نبش زندگی ، در کوهسارها
 عاصی به قدمت بنیان های ظلم
 در خون و در تیش
 از حرمت خدائی هر ذره خاکشان
 پیغام میدهند
 ... خود مختاری
 * * * * *
 در طول قزقها
 فریاد خلفها ، آزادی است و قسط
 این حق خلفیات
 آئینه اراده ، خلق و خداست
 ... این گفته خداست
 اسلام راستین ، از شور توده ها
 وحشت نمیکند
 اسلام راستین ، شمشیر توده ها ست
 خود مختاری ، این حق خلفیات
 * * * * *

" صدا "

به یاد شهید احمد رفائی
 نقش ما در این میانه چیست ؟
 انتظار ؟
 انتظار دانه در ضمیر خاک
 هر زمان بر اضراب
 از خوش سهمگین آفتاب
 از دیارهای دور
 بوی نور می وزد
 در دل دلبر مرد راه خون
 هایپوی جشن آفتاب ، کبیل می زند :
 مثل صبح روستا
 آن زمان که داسها ، بر آسان صبح
 تیغ می کشند ،
 برتجاهم بزرگ رزم روز
 * * * * *
 رنگ تو میدیدم درخت
 بازهم خبر از انتشار آفتاب میدهد
 یار من نشسته در پناه سنگ
 روی زانو خویشتن نهاد مان حکایت شکر فزا
 و برای کودگان روستا
 نقل میکند :
 شاخه های پر ظالم درختهای سیزرا
 وز تمام دره های دور
 بوی سرخ گل به گوش میرسد .
 * * * * *
 شهید ، تابان ۱۳۵۱ ع - م

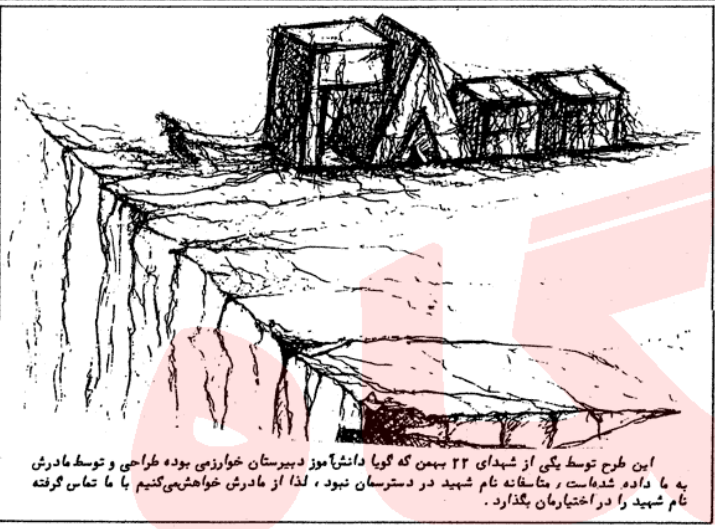
عوامل کمیته منطقه ۱۰

شصت هزار نسخه از نشریه مجاهد را به آتش کشیدند .
 وقتی با کمیته تلفنی تماس میگردد و از آنها تقاضای کمک میکند با بی اعتنائی آنان روبرو میشود .
 حتی پس از آتش زدن نشریات نیز تعدادی افراد معلوم الحال مانع نزدیک شدن مردم به نشریات شده و به جابجایی نشریات ، مورد حمله ۲۰ نفر (که گویا یکی از آنها از درب کلبه میزند) که برای این کار بنشیند و آنها علاوه بر حمله به او اقدام به آتش زدن همه نشریات میکنند (و جالب این است که برای این کار بنشیند هم فوراً آماده میشود) .
 او فقط موفق میشود که پس از کتک خوردن جان خود را نجات دهد .
 یک شرکت حمل و نقل است) به کمیته میرسد .
 پس از حدود یکساعت معطلی و آزادی توهمین به مجاهدین خلق او را وی پس از آزادی به محض اقدام گاراژ مراجعه میکند ولی به محض اقدام به جابجایی نشریات ، مورد حمله ۲۰ نفر (که گویا یکی از آنها از درب کلبه میزند) که برای این کار بنشیند و آنها علاوه بر حمله به او اقدام به آتش زدن همه نشریات میکنند (و جالب این است که برای این کار بنشیند هم فوراً آماده میشود) .
 او فقط موفق میشود که پس از کتک خوردن جان خود را نجات دهد .
 وقتی با کمیته تلفنی تماس میگردد و از آنها تقاضای کمک میکند با بی اعتنائی آنان روبرو میشود .
 حتی پس از آتش زدن نشریات نیز تعدادی افراد معلوم الحال مانع نزدیک شدن مردم به نشریات شده و به جابجایی نشریات ، مورد حمله ۲۰ نفر (که گویا یکی از آنها از درب کلبه میزند) که برای این کار بنشیند و آنها علاوه بر حمله به او اقدام به آتش زدن همه نشریات میکنند (و جالب این است که برای این کار بنشیند هم فوراً آماده میشود) .
 او فقط موفق میشود که پس از کتک خوردن جان خود را نجات دهد .



نشریه مجاهد بدست از تاج در آتش می سوزد

دومرحله ای کردن انتخابات مجلس شورای ملی ...
 مرحله ای کردن انتخابات " مجلس شورای ملی " که نه منطبق با قانون اساسی و نه متداول در هیچ یک از سیستم های انتخاباتی جهان است (غیر از کشورهایی که سیستم انتخاباتی منطقی دارند) ، نظر شخص ریاست جمهور آقای بنی صدر " و اعضای " شورای انقلاب " را به فرورتن گردن لم یکن تلقی نمودن آن جلب مینمایم .
 بخصوص توجه می دهیم که انتخابات دو مرحله ای مطابق اصل ۱۱۷ قانون اساسی فقط برای انتخاب ریاست جمهور پیش بینی شده و علیهذا دو مرحله ای کردن انتخابات مجلس شورای ملی به هیچ وجه نمیتواند مستند به قانون اساسی تلقی شود . بنابراین درست نمی دانیم که " شورای انقلاب " خارج از تصریحات قانون اساسی ، شرایط و قیود جدیدی بر یک مسأله بنیادی نظیر نحوه انتخاب نمایندگان قوه مقننه بیفزاید ، آنگاه قید و بندهایی که عملاً " جز هر چه محدودتر نمودن مشارکت نیروهای انقلابی و ترقی خواه در حیات اجتماعی و سیاسی کشورشان مفید فایده ای نیست .
 مجاهدین خلق ایران ۱۷/ بهمن ۵۸



این طرح توسط یکی از شهدای ۲۲ بهمن که گویا دانشآموز دبیرستان خوارزمی بوده طراحی و توسط مادرش به ما داده شده است ، متأسفانه نام شهید در دسترس نبود ، لذا از مادرش خواهش می کنیم با ما تماس گرفته نام شهید را در اختیارمان بگذارد .

انضباط انقلابی میلیشیا ...

میلیشیا باید با برخورد های فعال و خلاقیت شیوه های نو و انقلابی در مبارزه با انتخاباتی مجلس شورای ملی شرکت نماید

دستاوردهای مهم را بدینا داشت که ادامه فعالیت و مبارزه توده های سازمان بویژه در حرکت های وسیع اجتماعی شبیه انتخابات مجلس شورای ملی و بطور کلی در صحنه مبارزه ضد امپریالیستی و رهائی بخش خلق نیازمند کیفیت تازه ای در مناسبات و روابط سازمان با توده ها ست . به این مفهوم که باید با ایجاد رابطاتی تنگاتنگ با توده های آرمانهای انقلابی را به میان آنها برد و آنها را در یک پیوند ناگسستنی با سازمان و آرمانهایش قرارداد .
 واحدهای میلیشیا با تکیه بر این تجربه و تاکتیک انقلابی که بالاترین کار آبی را در شرایط موجود اجتماعی دارد ، مسئولیت رابطه با توده ها را در این مرحله تازه از مبارزه بعهده دارند . مسلماً این مسئولیت زمانی به درستی انجام می گردد و موفقی می توان به نتایج و محصول این تلاش انقلابی بطور کامل امید داشت که بر مناسبات انضباط اجتماعی و نظم انقلابی استوار باشد . نظم و انضباطی که یکی از اساسی ترین معیارهای سازماندهی میلیشیا ست . این نظم و دیسیپلین انقلابی از اولی ترین و اصلی ترین ویژگی های واحدهای میلیشیا است .
 میلیشیا در جریان انتخابات ریاست جمهوری برادر مجاهدان " سمود رجوی " برخورد های گوناگون و مختلفی را تجربه کرد .
 واحدهای میلیشیا در پیوند با خلق ، با فالانژها و حملات ارتجاعی شان به مقابله برخاست و خوبی و در همه جا موفق و پیروز گردید . چرا که ماهیهای سیاه کچولو به دریای بزرگان خلق پیوستند و از پشتوانه عظیم حمایت مردمی برخوردار شدند . نه تنها در صحنه مبارزه ضد ارتجاعی - بلکه در کار تبلیغاتی ، در جمع بندی و گزارش نویسی و در انتقال هوشیارانه تجارب انقلابی ، پیام متقابل توده ها را به سازمان رساندند .
 آنها سازمانی انقلابی " سازمان مجاهدین خلق ایران " را در صحنه رزم پیروز مندانه شان به بهترین شکل به نمایش گذارند . نشان دادند که تنها در ارتباط با نیروهای اصل انقلابی و مردمی به نظم و انضباط آهنگین نخواهند داد ، و هرگز ضوابط و مقررات ضد مردمی و ضد انقلابی را با ظاهر شکل و شماری که باشد نخواهند پذیرفت و با نظم و انضباطی که تضمین کننده آزادی و حقوق خلق نباشد به مبارزه برخاوند خاست . با این شعار که انضباط انقلابی را بجای ضوابط انضباطی ارتجاعی و ضد انقلابی جانشین کنند تا نظام نوین اجتماعی که بر مناسبات آزادی است ، برقرار گردد .

تجاریبی که از جریان انتخابات ریاست جمهوری کسب کرده ایم . مگر نه اینست که نظم و انضباط و سازمان یافتگی در جریان عمل انقلابی شکل می گیرد و مستحکم می شود ، مگر نه اینست که در گوران برخورد ها و درگیری های سیاسی - اجتماعی به تجارب جدید و نویسی دست می یابیم و درست در این رابطه است که رشد می کنیم و به نظم ضعف و قوت خود پی می بریم .
 مگر نه اینست که در شرایط فعلی جامعمان با برخورداری از امکانات نسبی دموکراتیک می توان نیروهای ارتجاعی و لیبرال را افشا کرد و به توده ها نشان داد .
 بنابراین هر چه فاعلتر و سازمان یافته تر باین امر مهم اجتماعی وارد می شویم تا نقش تاریخی خودمان را بازی کنیم .
 با این توجه که انتخابات مجلس شورا ، یکی از مهم ترین فرصتها است که نیروهای مترقی و انقلابی می توانند هر چه گسترده تر ، به فوهم و تشریح مواضع و نقطه نظرات خودشان بپردازند . به این معنا که توجه نیروهای سیاسی

بار اصلی انقلابات در تمام دورانهای تاریخی نیروهای جوان حمل می شود .

به ست مجلس خواهد بود و از کرسیهای مجلس بعنوان پایگاهی برای رساندن پیام به توده ها می توان استفاده کرد .
 بنابراین ما با تمام قوا به صحنه انتخابات مجلس شورا وارد می شویم ، و می گوئیم که هر کس نمایندگی را به سنگری برای تداوم انقلاب ضد امپریالیستی تبدیل کنیم . از آن سنگر با بیان نقطه نظرات انقلابی - مردمی مان که از عمق دیدگاه های ایدئولوژیکمان سرچشمه می گردد ، ماهیت نیروهای مرتجع و سازشکار را افشا کرده و برپا سازیم . و اگر امکان داشته باشد (و خدا کند که چنین امکانی به نیروهای انقلابی داده شود) ، در تصمیم گیریها و تصویب قوانین جدید و مواد متمم قانون اساسی سهم و نقش انقلابی و مردمی مان را ایفا کنیم .

رهنمودهای این مرحله

۱ - " آن اخا الحرب الارق من نام لم ینم عنه " . برادر جنگجو هوشیار است ، آنکه بخواید دشمن بر او بیدار است ، به هنگام انجام مأموریت میلیشیا و در هر حال با هشاری انقلابی توطئه های ساواک و مرتجعین را خنثی کنید . هشاری انقلابی را مبنای تحرک و انجام مأموریت قرار دهید .
 ۲ - نیروهای انقلابی بخصوص میلیشیا همواره در شرایط متحول و پر از تغییرات سریع باید توان و قدرت حل تفاسدی که بین انجام مسئولیت های بیرونی یعنی تحرک سیاسی - اجتماعی از یکسو و انجام مسئولیت های روزمره تبسی وجود دارد در خود تقویت کرده و ارتقاء دهند . ما در شرایط سکون و رکود زندگی نمی کنیم . شرایط پرتحرک است و ما دانشا درگیر فعالیتهای گسترده سیاسی - اجتماعی خواهیم بود ، بنابراین ضمن پرداختن به امر مبارزه به بهترین و درست ترین شکل بایستی به مسائل خانوادگی و کار روزمره تبسی پرداخته و وظایف یقیناً را انجام دهیم .
 ۳ - در فعالیت انقلابی در انتخابات ریاست جمهوری تجربه گرانمایی " رو در رو با خلق " را بدست آورید . در این مرحله با برخورد فعال و خلاقیت شیوه های و روشهای را خلق و پیش نهاد و تجربه کرده ، گزارش بدهید .
 ۴ - برای کلبه نیروهای انقلابی که در رابطه با سازمان مجاهدین خلق فعالیت می کنند ، شرکت فعال در انتخابات مجلس شورای ملی وظیفه اصلی این مرحله است . این وظیفه و کار اصلی در مورد واحدهای میلیشیا به نسبت سایر نیروها حساس تر و پراهمیت تر است .
 ۵ - بدون کتک و شد و ارتقا " انقلابی نیروهای انقلابی در جریان عمل انقلابی و در گوران حوادث و صحنه های نبرد تضمین می شود . بنابراین با برخورد آگاهانه با مسئولیتها در جریان عمل انقلابی این مرحله خود را آیدینه کرده و رشد خویش را با کسب خصائل انقلابی تضمین کنید .
 ۶ - عین حفظ مناسبات تبسی (اطاعت از فرماندها و ...) و تکیه بر انضباط آهنگین و مأموریت های خود را انجام داده و کتیا گزارش کنید .
 ۷ - در برخورد با فالانژها با حفظ روحیه تهاجمی دست به افشاکاری بزنید و با کار توضیحی ماهیت این مزدوران امریکائی را افشا کنید .
 * * * * *

یادشیدان را گرامی بداریم



مجاهد شهید احمد احمدی

منقل کند... در آبان ماه ملاقات با او را از رسولی خواستم. گفت احمد رفته به بیمارستان. او دبرانه شده. به سلول برگشتند و جریان را به هم سلولیان گفتند. گفتند از پس او را شکنجه کرده اند اختلاف حواس پیدا کرده...

گرسنه اینبار سداوای او خیلی طول کشید، ولی از بهبودی و درمان کامل خبری نبود. دواهای مغوی نیز دیگر سود نداشت. آبان همان سال خواهر دیگری را در بازگشت با سازمان مجاهدین دستگیر کردند. این جریان سواختن ساواک را نسبت به او بیشتر کرد. پاهایش تا حد فلج شدگی ناتوان شد. توی سلول نمیتوانست حرکت کند، دستشویی برود. هم سلولیهایش به او کمک میکردند. تا سپمن ماه احمد بن بیمارستان و کشته و شد بود. کمرش چشمانش کمی بهبود پیدا کرده بود ولی در مجموع قدرت زندگی کردن را دیگر نداشت و در حالی که تنها پاهایش کاملا فلج شده بود، بلکه

دوره (سالهای ۵۴ - ۵۲) با وی مانده، با اشاره به فرازهای او و قرآن و نوح البلاغ و دیگر منابع، تعبد و تسولیت انقلابی انسان این عصر را بارها و بارها تکرار کرده است که در این نونهایی از آنها را ذکر می کنیم: ۱ - در قسمتی از نوشته هایش چهره منافقین واقعی را از مجاهدین با تکیه بر آیات ۱۶۹ - ۱۶۷ آل عمران روشن کرده است. "لایعلم الذین نفاقوا و قیل لهم تعالوا فانکم قالوا سبیئنا للهِ والله اعلم ما ینکمون..."

جریان دستگیری

او در ۲۸ مرداد ۵۴ هنگام سفر به مشهد در فرودگاه مهرآباد توسط ساواک دستگیر می شود. خواهرش احمد کیست: صح زود می روم و تا شب بر نمی گردم. ولی آن روز قبل از ظهر برکنشت. بریدم چطور شد زود آمدی؟ گفت همه چیها را دستگیر کرده اند... همین روزها مرا هم خودگردان...

روز دستگیری ۱۵ نفر ما بر سر میز و در می نشستیم و هم جا را بستیم. در آن وقت از او پرسیدند: چرا این کارها را می کنید؟ او گفت: ما می خواهیم به شما نشان دهیم که ما هم مثل شما هستیم... او در فرودگاه مهرآباد توسط ساواک دستگیر می شود. خواهرش احمد کیست: صح زود می روم و تا شب بر نمی گردم. ولی آن روز قبل از ظهر برکنشت. بریدم چطور شد زود آمدی؟ گفت همه چیها را دستگیر کرده اند... همین روزها مرا هم خودگردان...

زندان شهید رفت، سعی می کرد با تعدادی از خانواده های مجاهدین خلق که فرزندانشان اسیر بودند همگام و همسر گردد و از مصاحبت و همراهی شان بهره مند شود.

در ملاقاتهای زیادی را از خود نشان داد. در بخشهای گوناگون این دوره انگیزه بسیار می گرفت و نیروهایش آزاد می شد. بطوریکه انرژی خود را صرف برآورده کردن نیازهای سازمان می کرد و چه بیرون و چه درون زندان می کرد. در این راه هراسی بدل راه نمی داد و با دشواری بر تمام مشکلات و مخاطرات آن بیروز می شد. و براسی همیشه آمادگی داشت که آنچه در توان دارد انجام دهد. او هرگز برای درجهت انقلاب و سازمان مجاهدین به موفقیت می رسید نوعی پیروزی انقلابی حساب می آورد. از جمله اقداماتش فرستادن یک "راديو دموچ" داخل زندان بود که بنا به درخواست مجاهدین از درون زندان با همکاری دوستانش انجام داده بود. و به این عمل در شرایط اقدام کرده شد بدترین جو خفان و وحشت پلیسی بر سر اسیران و بخصوص زندانها حاکم بود. در سال ۵۳ و در دوران سیاه دیکتاتوری ساواک زندانیها را از تمام امکانات محروم کرده بود. و در زندان شهید نیز برای محروم نمودن زندانیان سیاسی از منابع خبری حتی راديو کبک و بیج و روزنامه "نیز" را درون زندان می برد. در چنین شرایطی احمد توانست با هوشیاری خود و با همکاری دوستانش از عبده انجام این عمل مخفی برآید. او در این کار آذوقه هوشیاری و طراقت از خود بخرج داد به گونه که نه تنها آذوقه او نرفت، بلکه هرگز کسی ندانست که چگونه این راديو به زندان آمده است. رادر مجاهدش می گوید: واقعا خالصانه کار می کرد. و نه تنها نبودی از نظاره در کارهای دیده نمی شد. کتک صافخانه او این ویژگی نرفت داشت. عموما فعالیتهايش مخفی و ناشناخته می ماند. از کنگهای مالی اش، از ارتباطش با برادران و بخصوص خواهرهایش بافته آسین و از رابط بودنش بین تهران و مشهد، و از آخرین فرارهایش... هنگی ناگفته ماند.

راه حل های فرمیستی یا انقلابی

درد خلق رنجش می داد و روز بروز نوحیتش می کرد. از فوهای برسم فقر و محرومیت توده های عظیم که زاده فگار آوارگیست جهانخوار و مزدوران آشغال و پنهان است. چرخش و خشم چه می روید؟ احمد نیز خوشی از این خشم و رنج بود. در یک بروسه طولانی بخوبی دریافت بود که راه حل برای فردی فرمیستی راه بجایی نمی برد و فقر و محرومیت توده ها از این است. بنیاد سوسیالیستی است. این هدف نیز از طریق یک مبارزه قهرآمیز و مسلحانه و تکاندیز است. او تلاشهای خود را در جهت این هدف سوق می داد و امکانات خود را در راه سازمان مجاهدین خلق بسج می کرد. و آمادگی را در رفتن با آوری آن می داشت. او مبارزه مسلحانه می بیند و بر اصول و مکتب خود صادقاته تشییع انقلابی نیروها می دید. با این سنگ انقیاب، بخوبی می توانست چهره های فرمیستی و انقلابی را از افراد و تشیروهای فریاد طلب بازشتاند. در زمینه آموزش نظامی نیز توانایی های قابل توجهی داشت. در تهران داری مهارت خوبی داشت.

با این درک انقلابی، احمد بسیار هوشیارانه عمل می کرد و با دقت مسائل اشیت را رعایت می نمود. بسیاری از کارهای او به علت حاکمیت خو پلیسی با مدتها بر همه پوشیده بود و برخی از آنها نیز هنوز پوشیده مانده و با خود برده است. بطور مثال نسبت به کاسینکه مردم را دعوت به مبارزه نمی کردند، و با فعالیت جوانان دیگران را تسلیت می کردند، تضاد عمیق احساس می کرد و در برابر کسانی که از اسلام را در مضون ارتجاعی اش تبلیغ می کردند، و با در برابر انقلاب قهرآمیز خلق ترمزی بودند ساری ناپذیر بود و احساس می کرد که هرگز نمی تواند کوچکترین نزدیکی با آن داشته باشد. در یادداشتهاش که از او در این

نمیدانم چرا یکدفعه بریدم: تو بخدا اعتقاد داری... نگاه نافذ و حنی داری بمن کرد و گفت: "مگر میشد به خدا اعتقاد نداشت...؟! بگور صبح هم که بیدار شدم دیدم احمد نبود..." بعدها از طریق دادرس ارتش معلوم شد که ساواک طی نامه ای در تاریخ ۱۶/ بهمن ۵۴/ در دادرس، فوت او را اعلام کرده است.

شهادت احمد و بر خورد ساواک با خانواده اش.

از همان ابتدای دستگیری خانواده اش برای دیدن ملاقات او به کمیته مراجعه نمودند و ملاقات او را از جایی به جایی پاس میدادند... زندان قصر... اوین و... ولی ملاقات خبری نبود. در اسفند ماه ساواک شیوه خودی را عوض کرد و گفت اصلا ما چنین فردی را نمی شناسیم و او را دستگیر کرده ایم در مواردی که خانواده اش را از صبح تا شام پشت در کمیته تکرار و منتظر میدید، وعده میداد که خوب دیده کرد. ولی روز این ملاقات خواهر او را در زندان گاهی از آنها با اتاق ملاقات می بردند و پس از مدتی انتظار در دیکری برای ملاقات می آوردند، و وقتی می شنیدند که او احمد نیست می گفتند ما که فلا گفته بودیم چنین فردی را دستگیر نکرده ایم. بعد از پیروزی قیام نیز تلاش برای یافتن قبر احمد شهید بجایی نرسید. برای که میتوانست معاد پوست... ساواک دیگر می دانست که مرگ احمد ناگزیر است. او را به سلول انفرادی بردند و بعد هم برای اینکه این برکه مظلوم جرم بر دامانش نشیند سرچا به بیمارستان زندان قمر انتقالش دادند تا اینچنین وانمود کنند که به علت تفریج در زندان قصر فوت شده است. یکی از زندانیان که در همان زمان در بیمارستان زندان قصر بود می گوید: "یک جسد نیم جان روی تخت توی اتاق بود. بیشتر اوقات میوه ها و نانهای تازه می آوردند. تاریخ راز بریز کردیم. گاهی بی عدمی مرد راه می چلید... احمد ها... اهتین و استوار... احمد ها..."

درود بر کلیه شهیدانی که در راه آزادی و برقراری حکومت مملکت ما کشته شدند.

از زندان اوین با آمریکا

Form with fields for name, address, phone number, and other personal information in Persian and English.

این قبضه نگاشته تلفنی جناب دکتر شیخ الاسلامزاده، وزیر کابینه هوبدا، از زندان اوین با آمریکا است. خلاصه آن چه کسی صحبت می کرد، معلوم نیست اما در قبضه شرکت معاشرت فقط در حرف آمده است. چه می گفته و چه می شنیده؟ همان سه ماه شخصی نیست اما مسلم اینست که از "زندان ۱۱" اوین و از شماره ۲۹۸۹۹۹ واقع در زندان با شماره ۶۵۲۶۹۹ (در آمریکا تماس گرفته است) زندان اوین همان زندانی است که مجاهد اسیر شده محمدرضا سعادت اکنون مدت ۸ ماه است در آن بسر می برد. اخیرا هم زندانیان محرم فرموده ملاقاتهایش را هم قطع کرده اند.

برادری که در مرحله اول بازجویی اش با او هم سلول بود میگفت: علاوه بر آثار شکنجه، ناراحتی بعدش در گرفت بود. و در بازجویی درونی داشت. بطوریکه مجبور شدند برای حاله جدی او را به بیمارستان منتقل کنند... در بازگشت از بیمارستان، احمد را در آنجا شکنجه کردند تا حرفهایش را بزنند. در این مرحله پاهایش بطور کامل زخمی و زمین می خورد استخوان پایش نیز فشار "پولوی" می شکند. او ساواک او دست بردار نبود. در چهره او رابط تهران - مشهد را می حسست، و مسافرتی با هواپیمای راه می رفت. دلیل همین می دانست. در مقابل شکنجه و جرحات پاهای و ضربات هولناک شکنجه صبر و مقاومت عجیبی از خود نشان میداد. طریقی زخمها ابتدا به هم باها و بعد از جرح خون تماشایی بدن را فرارگرفت. بطوریکه مجبور شدند مجددا او را به بیمارستان

برادری که در مرحله اول بازجویی اش با او هم سلول بود میگفت: علاوه بر آثار شکنجه، ناراحتی بعدش در گرفت بود. و در بازجویی درونی داشت. بطوریکه مجبور شدند برای حاله جدی او را به بیمارستان منتقل کنند... در بازگشت از بیمارستان، احمد را در آنجا شکنجه کردند تا حرفهایش را بزنند. در این مرحله پاهایش بطور کامل زخمی و زمین می خورد استخوان پایش نیز فشار "پولوی" می شکند. او ساواک او دست بردار نبود. در چهره او رابط تهران - مشهد را می حسست، و مسافرتی با هواپیمای راه می رفت. دلیل همین می دانست. در مقابل شکنجه و جرحات پاهای و ضربات هولناک شکنجه صبر و مقاومت عجیبی از خود نشان میداد. طریقی زخمها ابتدا به هم باها و بعد از جرح خون تماشایی بدن را فرارگرفت. بطوریکه مجبور شدند مجددا او را به بیمارستان

اگر بخاطر مصالح نقلی باشد، انتشار لیست سامی ساواک را به "تشرکات ذیبت" تعبیر می کنید چرا خودتان فهرست کامل آنرا افشاء نمی سازید؟

مشاحان اصلیتی دور نگه دارند؟ در اینجا وظیفه رئیس جمهوری است که بعنوان اولین مسئولیت خطیر در پائین تحقق ثوابت که خود بارها عنوان نموده یعنی "حفظ منازات انسان" یعنی آن اکثریت مردمی که در معرض افترا و تهمت قرار گرفته، ساواک و وابستگی را افشاء کند. منزلت انسان هادر مقابل صلحت ساواک و ساواک ها! تنها از این طریق تاسین خواهد شد. تا زمانیکه رسا" واز سوی قدرت بدستان تمامی همکاران مقابل و حق طبیعی برات بر ای اکثریت ششمن وجود ندارد تا لاف لای توانند سادگی انگ کثمتی ساواک را از خود دور کنند؟ پنهان نگری از سامی ساواکی ها چه منای دیگری جز خنده دار کردن انسانهای پاک دارد؟ بکدام حد غاصبین خود را مالک الرقاب استناد ملکنتی میدانند تا آنرا از چشم

از جناب آنکه بعد از واژگونی رژیم شاه هم، مانند قبل از آن تنها گروه دهنه، مخفی و بعضا دربان، وابستگی ساواک جیمینی هستند! دستهای نابیدایی شورتمین و مخوفترین سازمان پلیسی دنیا را حتی پس از واژگونی سیستم موجود آورده اند، نگهدارند و بدون داشتن و با ابراز دلیل و بهانه های سعی در کشان هویت افراد آن دارد. یکی از بزرگترین مسائل لاینحل در ساواک تدفین نظام صلحت، قیومت و رسالت حاکمان کم دوام بر دفاع کم رسمی و سرشاخه شده ترین دشمنان خلق، می باشد.

دولت موقت که با هیاهوی بسیار بر سر کار آمد، تا در دست داشتن تمامی امکانات و مدارک و اسناد، بعد از چهارماه فقط با اعلام اینکه "لیست هشت هزار نفری از اعضاء ساواک در اختیار نخست وزیر است" (اطلاعات ۵۸/۲/۶) قناعت کرد. پس از پایان "بهار" دولت موقت، در پاییز گذشته، مردم که با زندان های حالی از ساواکی ها ورخنه آنها تا سطح بالای تصمص کیری ملکنتی مواجه شده بودند، با تحریه تبلیغ ریست در کنار ساواکیها، برانسانها و نشان افراد این سازمان جیمینی که حداقل خواست راضی نشان بود، پای فرستاد. ولی خلاف دولت موقت نیز چیزی در این زمینه پیش از سلف خود انجام نداد. با گذشت یک سال، که در حیات فعال سیاسی مردم، مال و نیز برای انجام هر عمل انقلابی، عمری حساب می آید، اساسی اعضاء ساواک، همچون اسرار بسیار مخفی و مهم ملکنتی محفوظ مانده است. که کمترین زایش روح مبارز تهمت و افترا است. خود دولت دست اندرکاران نیز بیان دامن سزند. لیست هشت هزار نفری که اخیرا منتشر شد، مورد تکذیب مقامات قرار گرفت. سخنگوی شورای انقلاب از یکس (اطلاعات ۱۸ بهمن) و سرپرست ادارات نخست وزیری از سوی دیگر (اطلاعات ۲۵ بهمن) مجموعه

فرازهای پرشکوه جنبش اتحادیه ای

و تظاهرات کارگری بوسله گارد، حفاظت، ساواک. ولی در این سالها نیز مبارزات کارگران البته بطور پراکنده ادامه داشت. اعتصاب خونین جهان چیت در سال ۵۶ که منجر به شهادت ۴ نفر و مجروح شدن ۱۴ نفر از کارگران شد، همچنین اعتصابات کارگران ماشین بردن مبارزات کارگری شور بود، اما اکنون با گذشت یکسال از قیام بهمن کارخانه و بعدها شورا فرار شده بود. در ابتدای سقوط رژیم ضد خلقی شاه، تنها تشکلات قابل قبول برای پیش بردن مبارزات کارگری شور بود، اما اکنون با گذشت یکسال از قیام بهمن ماه هر کدام از شوها به تنهایی قادر حل اعتصابات عمومی و مسائل صنفی - سیاسی گسترده تر کارگران، نیستند از اینروست که ضرورت ایجاد تشکلات گسترده تر کارگری که همان اتحادیه شوهای واقعی است بخوبی لمس می شود.

تظاهرات کارگری بوسله گارد، حفاظت، ساواک. ولی در این سالها نیز مبارزات کارگران البته بطور پراکنده ادامه داشت. اعتصاب خونین جهان چیت در سال ۵۶ که منجر به شهادت ۴ نفر و مجروح شدن ۱۴ نفر از کارگران شد، همچنین اعتصابات کارگران ماشین بردن مبارزات کارگری شور بود، اما اکنون با گذشت یکسال از قیام بهمن ماه هر کدام از شوها به تنهایی قادر حل اعتصابات عمومی و مسائل صنفی - سیاسی گسترده تر کارگران، نیستند از اینروست که ضرورت ایجاد تشکلات گسترده تر کارگری که همان اتحادیه شوهای واقعی است بخوبی لمس می شود.

به یارها بنده مزدگانی پرداخت می شود

زیر کاسه نیم کاسی با شد و مثلا بعضی حضرات دوستان هم دورا دور دستی بر آتش داشته باشند. ولی این هم یکی از آن حرفهای بد بد است! بسیار توجیح است که تم فصولیاتی نیز جرأت بیان آنرا ندارم. لذا ضمن تکذیب هرگونه شایعاتی از این قبیل تا کار بجای یاریک نگشیده این توجیح مزاید را تصمص گرفته ام مطبوعات کنترلا انتشار بدهم که به بلکه تا آتن مسئولیتش را نداده و سار از درخت افتاد دست اندرکاران نبریده، کسی گشته را پیدا کند. اگر این راه حل به بنتجه نرسد، پیشنهاد نهائی من اینست که مجاهدین هم بایند دل به دریا بزنند و بکار هم که شده بپشتند حمله و هجوم به یک جایی شوند و با اینکه چون میدانم مسئول سازمان یا این کارها مخالفند هر طور یک

درسالگرد پیروزی قیام...

از یادمان این روز مردم گروه گروه علیرغم رگبار ششید باران از خانه های خود خارج شد و راهی میدان آزادی میگردیدند. همان جاییکه سال گذشته معادگامسلوینیا زن و مرد آزاده، این مینم بود که با تظاهرات میلیونی خود، پشت رژیم وابسته و امپریالیسم را به لرزه در می آوردند. گروههای مردم که از مناطق مختلف شهر به حرکت درآمده بودند. در خیابان آزادی به یکدیگر پیوسته و صفی بیکران از دریای خورشان خلق را بوجود آوردند. در نزدیکی ظهر میدان آزادی و اطراف آن ملو از میلیونها مردمی بود که با شور و شوق غیر قابل وصفی شعار مرگ بر کارتز و مرگ بر امریکا را سر می دادند. حضور برادر یاسر عرفات و

منتقل شدند. روزه ارتشیان هم که قرار بود در مقابل رئیس جمهور برگزار گردد به دلیل ازدحام جمعیت وبی نظمی ایکه در اطراف جایگاه بوجود آمده بود. انجام نگرفت موفق گردید. ولی پس از پایان مراسم در حدود ۳ بعد از ظهر و بعد از اینکه دیگر مردم راهی خانه های خویش شدند، عده ای از ارتشیان خود در خیابان آزادی راه افتادند و تا نزدیکی میدان انقلاب رژه رفتند. در پایان خاطره سالروز قیام را با قستی از پیام امام خمینی که به ناماسات سالگرد قیام توسط حاج احمد آقا خمینی به تمام مردم رسید گرمی میداریم. اکنون اعلام می کنم ایران باید تابع تمام وابستگیهای سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی خود از امریکابه مبارزات قاطع خود علیه این جهانخوار بیرحم ادامه دهد."

بغیاض صفحه ۴

عظیم خود در جریان قیام خونین ضد دیکتاتوری و از طریق اعتصابات و تظاهرات گسترده رژیم را به زانو درآوردند. دوره مرگ سندیگاها و اتحادیه های پولتایی و تولد تشکل جدید کارگری به اسم کمیته های کارخانه و بعدها شورا فرار شده بود. در ابتدای سقوط رژیم ضد خلقی شاه، تنها تشکلات قابل قبول برای پیش بردن مبارزات کارگری شور بود، اما اکنون با گذشت یکسال از قیام بهمن ماه هر کدام از شوها به تنهایی قادر حل اعتصابات عمومی و مسائل صنفی - سیاسی گسترده تر کارگران، نیستند از اینروست که ضرورت ایجاد تشکلات گسترده تر کارگری که همان اتحادیه شوهای واقعی است بخوبی لمس می شود.

تحلیلی بر کنفرانس پاکستان و مسأله افغانستان

تلاطمین خلیج با وجود تلاش برای گفتگو با خمینی و مقامات ایرانی دریافتند که برقراری مذاکرات منطقی با رژیم بزرگمست است. امریکا مشکلات تازه ای برای کشور های خلیج بوجود آورده زیرا به آنها اصرار ورزیده که امریکا کمک کند و سلاطین تکران بوده و تردید دارند، چون مردم منطقه توجه زیادی به اسلام دارند و این باعث دردسر برای سلاطین خواهد شد. چنانچه در "کنف" شیعیان تظاهرات برپا کردند امریکا نیز از شاه آسان گذشت. سیاست نوین کشورهای خلیج عبارتست از سعی در پائین آوردن ارزش انقلاب ایران از پایه یک انقلاب فراگیرنده تمام مسلمانان جهان به یک گروه خاصی از مسلمانان ایران تا آنرا به اهمیت جلوه دهند. امریکا بویژه بعد از ساله افغانستان صرفا ابهام سیاسی ندارد. باین سخنان نماینده سازمان آزادبخش فلسطین در شوری که عینا در کیهان ۳۵ دیماه منعکس است توجه کنید: "علاوه بر پایگاه "مسره" و "عمان" و پایگاههای تضمین عدم مصر و اسرائیل، امریکا با تمام قوا در راه به دست آوردن پایگاههای جدید در خاک سوئالی و کنیا می کوشد... پیش از وقوع حوادث افغانستان نقشه این بود که امریکا صرفت عمده به معادن نفت جنوب ایران بزند و تنگه هرمز را سدود و کنیا گردی کرده و از هوا به فرودگاههای اسفهان و شیراز که ۷۷ هواپیمای اف - ۱۴ در آنجا مستقر است ضربت وارد آورد. پس از حوالت افغانستان امریکا نقشه خود را عوض کرده، پاکستان را بعنوان پایگاه بزرگ قید کرده است. در همین احوال دیگر یک چهار صد میلیون دلار برای امریکا به پاکستان تصحب انگیز می شود اگرچه هنوز یکس از تصمص امریکا در مورد لغو کجکهای

پان اسلام میسم با

همچنین بیاد داریم که در حوالی همین سال و همین کنفرانس بود که پیمان بغداد که بعدا یعنی بعد از واژگونی شدن سلطنت عراق بدست عبدالکریم قاسم) به سازمان پیمان مرکزی - جنوب تغییر نام یافت تشکیل شد. انگلیس و امریکا با بنیان سنتو بودند. کنفرانس تحت پوشش ضد کمونیستی اسانا بخاطر مقاله با جنبشهای آزادبخش خلق عرب و ایران طراحی شده بود. ایران و صدق و بعد از فاروق و زمان عبدالناصر. پس از واژگونی سلطنت در مصر ناسیونالیسم ترقی خواه عرب تحت رهبری عبدالناصر امی می گرفت و در همین اوان بود که ژنرال دوایت ایتنهور از فرماندهی ناتو به ریاست جمهوری امریکا رسید و بعد از ۲۸ مرداد از شرمند نیز راحت شده بود. سپس در حوالی سال ۱۹۶۰ که ناسیونالیسم ترقی خواه عرب در اوج خود بسر می برد و چه در اردن و سودی با یمن و ... و در روی امیر - پالیسم و ارتجاع منطقه فرارگفته بود بازهم مانور امپریالیستی دیگری از همین قرار نگراشد. پان اسلامیم با نقش محوری ملک فیصل و شاه ایران، آنها می خوانند با علم کردن چیزی ضد اسلام جنبش خلقها را از سمت بنام امپریالیستی امریکایی - انگلیسی منحرف نموده و به آن جهت کمونیستی بدهند. و برای همین کار بود که شاهنشاه و ملک دست در دست یکدیگر نهاده و اسلام پناه شدند!

آمریکا در جستجوی پایگاه های جدید

آمریکا بویژه بعد از ساله افغانستان صرفا ابهام سیاسی ندارد. باین سخنان نماینده سازمان آزادبخش فلسطین در شوری که عینا در کیهان ۳۵ دیماه منعکس است توجه کنید: "علاوه بر پایگاه "مسره" و "عمان" و پایگاههای تضمین عدم مصر و اسرائیل، امریکا با تمام قوا در راه به دست آوردن پایگاههای جدید در خاک سوئالی و کنیا می کوشد... پیش از وقوع حوادث افغانستان نقشه این بود که امریکا صرفت عمده به معادن نفت جنوب ایران بزند و تنگه هرمز را سدود و کنیا گردی کرده و از هوا به فرودگاههای اسفهان و شیراز که ۷۷ هواپیمای اف - ۱۴ در آنجا مستقر است ضربت وارد آورد. پس از حوالت افغانستان امریکا نقشه خود را عوض کرده، پاکستان را بعنوان پایگاه بزرگ قید کرده است. در همین احوال دیگر یک چهار صد میلیون دلار برای امریکا به پاکستان تصحب انگیز می شود اگرچه هنوز یکس از تصمص امریکا در مورد لغو کجکهای

از قدیم گفته اند دوست دشمن من دوست دوست من نخواهد بود.

تلاطمین خلیج با وجود تلاش برای گفتگو با خمینی و مقامات ایرانی دریافتند که برقراری مذاکرات منطقی با رژیم بزرگمست است. امریکا مشکلات تازه ای برای کشور های خلیج بوجود آورده زیرا به آنها اصرار ورزیده که امریکا کمک کند و سلاطین تکران بوده و تردید دارند، چون مردم منطقه توجه زیادی به اسلام دارند و این باعث دردسر برای سلاطین خواهد شد. چنانچه در "کنف" شیعیان تظاهرات برپا کردند امریکا نیز از شاه آسان گذشت. سیاست نوین کشورهای خلیج عبارتست از سعی در پائین آوردن ارزش انقلاب ایران از پایه یک انقلاب فراگیرنده تمام مسلمانان جهان به یک گروه خاصی از مسلمانان ایران تا آنرا به اهمیت جلوه دهند. امریکا بویژه بعد از ساله افغانستان صرفا ابهام سیاسی ندارد. باین سخنان نماینده سازمان آزادبخش فلسطین در شوری که عینا در کیهان ۳۵ دیماه منعکس است توجه کنید: "علاوه بر پایگاه "مسره" و "عمان" و پایگاههای تضمین عدم مصر و اسرائیل، امریکا با تمام قوا در راه به دست آوردن پایگاههای جدید در خاک سوئالی و کنیا می کوشد... پیش از وقوع حوادث افغانستان نقشه این بود که امریکا صرفت عمده به معادن نفت جنوب ایران بزند و تنگه هرمز را سدود و کنیا گردی کرده و از هوا به فرودگاههای اسفهان و شیراز که ۷۷ هواپیمای اف - ۱۴ در آنجا مستقر است ضربت وارد آورد. پس از حوالت افغانستان امریکا نقشه خود را عوض کرده، پاکستان را بعنوان پایگاه بزرگ قید کرده است. در همین احوال دیگر یک چهار صد میلیون دلار برای امریکا به پاکستان تصحب انگیز می شود اگرچه هنوز یکس از تصمص امریکا در مورد لغو کجکهای

آیت الله کاشف الغطاء

فراهم گردید، دست انقلاب با نیروی نظامی جدید، سازمان یافتگی وارد مرکه شده و ضربه نهائی را فرود می آورد و کنترل اوضاع را بدست می آورد. پهنانهای این اقدامات نیز بطور جهانی از پیش اسناددار شده است و معمولا زیر سربوش "دفاع از دین و مذهب" با "ترس از سلطه کمونیسم و شوری" با "تکرانی از تجزیه طلبی و ... مطالبه صورت می گیرد. اکنون اجازه بدهید ضمن و جوهر واحد برخی طرحهای امپریالیستی - ارتجاعی تاریخ سیاسی معاصر مان را باختصار مورد اشاره قرار دهیم. در سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳ خورشیدی) انجمن دستداران خاورمیانه ای امریکا کنفرانسی در جمحدون (یکی از شهر های لبنان) برای انعقاد که قریب بیست موضوع در دستور کار آن قرار داشت. موضوعاتی که بسا مشکل و زیبا و موافق بود. موافق ورزش های اخلاقی و نونهای اخلاقی از نظر اسلام و مسیحیت. تعداد زیادی از گروهها و شخصیتها و روحانیون منطقه نیز به کنفرانس دعوت شده بودند. لکن در میان تمام آنها پاسخ دندان شکن مرحوم آیت الله کاشف الغطاء بسیار در خور توجه است. بگذارید از

پان اسلام میسم با

تلاطمین خلیج با وجود تلاش برای گفتگو با خمینی و مقامات ایرانی دریافتند که برقراری مذاکرات منطقی با رژیم بزرگمست است. امریکا مشکلات تازه ای برای کشور های خلیج بوجود آورده زیرا به آنها اصرار ورزیده که امریکا کمک کند و سلاطین تکران بوده و تردید دارند، چون مردم منطقه توجه زیادی به اسلام دارند و این باعث دردسر برای سلاطین خواهد شد. چنانچه در "کنف" شیعیان تظاهرات برپا کردند امریکا نیز از شاه آسان گذشت. سیاست نوین کشورهای خلیج عبارتست از سعی در پائین آوردن ارزش انقلاب ایران از پایه یک انقلاب فراگیرنده تمام مسلمانان جهان به یک گروه خاصی از مسلمانان ایران تا آنرا به اهمیت جلوه دهند. امریکا بویژه بعد از ساله افغانستان صرفا ابهام سیاسی ندارد. باین سخنان نماینده سازمان آزادبخش فلسطین در شوری که عینا در کیهان ۳۵ دیماه منعکس است توجه کنید: "علاوه بر پایگاه "مسره" و "عمان" و پایگاههای تضمین عدم مصر و اسرائیل، امریکا با تمام قوا در راه به دست آوردن پایگاههای جدید در خاک سوئالی و کنیا می کوشد... پیش از وقوع حوادث افغانستان نقشه این بود که امریکا صرفت عمده به معادن نفت جنوب ایران بزند و تنگه هرمز را سدود و کنیا گردی کرده و از هوا به فرودگاههای اسفهان و شیراز که ۷۷ هواپیمای اف - ۱۴ در آنجا مستقر است ضربت وارد آورد. پس از حوالت افغانستان امریکا نقشه خود را عوض کرده، پاکستان را بعنوان پایگاه بزرگ قید کرده است. در همین احوال دیگر یک چهار صد میلیون دلار برای امریکا به پاکستان تصحب انگیز می شود اگرچه هنوز یکس از تصمص امریکا در مورد لغو کجکهای

پان اسلام میسم با

تلاطمین خلیج با وجود تلاش برای گفتگو با خمینی و مقامات ایرانی دریافتند که برقراری مذاکرات منطقی با رژیم بزرگمست است. امریکا مشکلات تازه ای برای کشور های خلیج بوجود آورده زیرا به آنها اصرار ورزیده که امریکا کمک کند و سلاطین تکران بوده و تردید دارند، چون مردم منطقه توجه زیادی به اسلام دارند و این باعث دردسر برای سلاطین خواهد شد. چنانچه در "کنف" شیعیان تظاهرات برپا کردند امریکا نیز از شاه آسان گذشت. سیاست نوین کشورهای خلیج عبارتست از سعی در پائین آوردن ارزش انقلاب ایران از پایه یک انقلاب فراگیرنده تمام مسلمانان جهان به یک گروه خاصی از مسلمانان ایران تا آنرا به اهمیت جلوه دهند. امریکا بویژه بعد از ساله افغانستان صرفا ابهام سیاسی ندارد. باین سخنان نماینده سازمان آزادبخش فلسطین در شوری که عینا در کیهان ۳۵ دیماه منعکس است توجه کنید: "علاوه بر پایگاه "مسره" و "عمان" و پایگاههای تضمین عدم مصر و اسرائیل، امریکا با تمام قوا در راه به دست آوردن پایگاههای جدید در خاک سوئالی و کنیا می کوشد... پیش از وقوع حوادث افغانستان نقشه این بود که امریکا صرفت عمده به معادن نفت جنوب ایران بزند و تنگه هرمز را سدود و کنیا گردی کرده و از هوا به فرودگاههای اسفهان و شیراز که ۷۷ هواپیمای اف - ۱۴ در آنجا مستقر است ضربت وارد آورد. پس از حوالت افغانستان امریکا نقشه خود را عوض کرده، پاکستان را بعنوان پایگاه بزرگ قید کرده است. در همین احوال دیگر یک چهار صد میلیون دلار برای امریکا به پاکستان تصحب انگیز می شود اگرچه هنوز یکس از تصمص امریکا در مورد لغو کجکهای